



فهرست مطالب

- ۲ به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن و اوضاع کنونی ایران
- ۴ به مناسبت سالروز فرار شاه
- ۵ زنان و شکستِ طلسمِ وحشتِ شکنجه در ایران!
- ۷ «طراحی سوخته»، طرحی سوخته و تبهکارانه
- ۷ رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را تا آستانه مرگ شکنجه کرده است
- ۹ سخن هفته
- ۱۰ پیکار بازنشستگان خاموش شدنی نیست
- ۱۳ دره میان فقر و ثروت در جهان پیوسته عمیق تر می‌شود
- ۱۴ دخالت بی‌شرمانه و تروریستی آمریکا در امور داخلی ونزوئلا را قویا محکوم میکنیم
- ۱۵ ایکاش فقط آینده بود!
- ۱۶ به مناسبت صدمین سالگرد ترور روزا لوکزامبورگ و کارل لیکنشت
- ۱۶ سخنی کوتاه درباره قهرمانی و نقش شخصیت در تاریخ
- ۱۷ یادی از رفقا مهدی اقتدارمنش و محمدجواد عرفانیان
- ۱۷ یادی از رفیق عباس گودرزی (علی)
- ۱۸ دست رژیم صهیونیستی اسرائیل از سوریه کوتاه باد!
- ۱۸ دست رژیم تبهکار اسلامی از اسماعیل بخشی کوتاه!
- ۱۹ انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان)
- ۱۹ در جبهه نبرد طبقاتی
- ۲۵ پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام
- ۲۶ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش (۱)



به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن و اوضاع کنونی ایران

چهل سال از انقلاب عظیم و شکوهمند بهمن ۵۷ می‌گذرد. انقلابی که هدفش استقرار جمهوری، آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی بود و با کسب قدرت سیاسی توسط دارودسته روحانیت مرتجع، به رهبری خمینی، در خون درغلطید و در بین راه متوقف شد. روشن است درس از شکست‌ها و آموزش صحیح از این انقلاب، مادر پیروزی‌های فردای ماست. اما امروز در اثر خیانت‌های رژیم جمهوری اسلامی و اوضاع وخیم ایران و پیامدهای ناگوار شکست انقلاب و گسترش نارضایتی مردم، به ویژه فرودستان جامعه، دشمنان انقلاب و نیروهای امپریالیستی تلاش می‌کنند بر موج نارضایتی و اعتراضات مردم سوار شوند و آنرا از مسیر اصلی خود، که تحقق نان و آزادی است، منحرف سازند. امروز بخشی از روشنفکران خودفروخته نه تنها به نگوشت انقلاب و تحولات عمیق اجتماعی می‌پردازند، بلکه برعلیه انقلاب مردم و هم‌دست‌شدن با امپریالیسم آمریکا در جهت احیای بساط ننگین و پوسیده سلطنتی، که خود دلیل روشنی بر ظهور رژیم سیاه جمهوری اسلامی است، عمل می‌کنند. این عده از روشنفکران سترون، که به مجیزگوئی جناح‌های همین نظام عنکبوتی اسلامی نشسته‌اند و برای منافع‌شان به قشری‌ترین و کثیف‌ترین دسته‌بندی‌های رژیم روی آورده‌اند و در تداوم پایه‌های استبداد و اختناق ایفای نقش می‌کنند، به روشنفکران متعهد و مسئول ایران، که رژیم سرسپرده شاه، این عامل اجنبی و محصول کودتای ننگین ۲۸ مرداد را برنتابیده و در مقابل سیاست‌های نواستعماری و اختناق قرون وسطایی دربار فاسد پهلوی ایستادند و در راه تحقق آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی به زندان افتادند و یا تیرباران شدند، خُرده می‌گیرند و نایخردانه آنها را سرزنش میکنند که «چرا به جای دفاع از رژیم شاه و رفرف‌های او، مردم را به مبارزه علیه سلطنت و اربابانش فراخواندند و به ملت خیانت کردند»!!!.

این نگاه به گذشته و برخورد به روشنفکران و مردم ایران، اگر از سر خیانت نه‌باشد، حتماً از سر جهالت و نادانی است، که در اثر عدم آگاهی سیاسی شستشوی مغزی شده و به پراکندن تخم یاس و خمودگی و خماری مشغول‌اند و به خیال خود به مبارزه برای خروج از بن‌بست کنونی انجام وظیفه می‌کنند!! کودتای ننگین ۲۸ مرداد، که با دخالت امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، اولین جوانه‌های دموکراسی در ایران را در نطفه خفه کرد و استبداد و وابستگی را بر مردم ایران تحمیل نمود و ایران را از کاروان تمدن، پیشرفت و توسعه ملی بازداشت. به راستی دلایل بروز انقلاب بهمن کدام‌اند؟ و آیا این درست است که مردم ایران از سر سیری شکم دست به انقلاب زدند و انقلاب محصول تبلیغات تئی چند از «روشنفکران نادان و وطن‌فروش و روحانیت سیاه‌دل» بوده است؟ راستی ایران در دوره رژیم پهلوی در کجای این جهان ایستاده بود و مضمون «دروازه تمدن» اش کدام است؟ و نیز در چهلمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، راه حل خروج از بحران کنونی کدام است؟

یکم اینکه با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ شاه با وابسته‌نمودن کامل میهن ما به قدرت‌های امپریالیستی، به ویژه امپریالیسم آمریکا، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور ما ایران تبدیل شد به حیاط خلوت و منطقه نفوذ آمریکا و حافظ منافع آنها. ایران تبدیل شد به یک کشور نیمه مستعمره و استعمار جمعی نتیجه منطقی کودتای سیاه و سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق بود.

دوم اینکه رژیم شاه، براساس دکترین نیکسون، نقش ژاندارم منطقه را ایفا می‌کرد و منافع آمریکا در منطقه را تأمین می‌نمود و بر این اساس در اواسط دهه ۱۳۵۰ ایران به بزرگ‌ترین خریدار تسلیحات آمریکایی تبدیل شد. از سال ۱۹۵۰ تا زمان سقوط شاه ارزش قراردادهای خرید تجهیزات و خدمات نظامی ایران از آمریکا به حدود ۵۰ میلیارد دلار رسید.

سوم اینکه تصویب و اجرای طرح کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی اتباع آمریکایی در ایران)، ورود هزاران متخصص نظامی آمریکایی و سلطه آنها بر ارتش، مداخله شاه در عمان و گسیل ۱۵ هزار نیروی نظامی در ظفار برای سرکوب انقلابیون و آزادی‌خواهان ضداستعمار و ارسال تجهیزات نظامی از سوی شاه به مراکش، اردن و برنامه‌هایی بودند که به دستور امپریالیسم آمریکا و در راستای منافع

بودجه نظامی به هدر داده شد. طی ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ بودجه نظامی از ۱۳٪ تولید ناخالص ملی به ۲۰٪ افزایش یافت. اینطور بود که سهم کالاهای نظامی در کل واردات کشور از مرز ۳۰٪ گذشت (در مقایسه با ۱۲٪ در سال ۱۹۷۲). به این ترتیب، کشوری که در سال ۱۹۷۴ دارای مازاد تراز پرداخت هنگفتی بود، در سال ۱۹۷۶ ناچار شد برای حل بحران مالی خود به صندوق بین‌المللی پول روی آورد. اینها همه در یک مجموعه از سیاست اقتصادی نواستعماری و استبدادی و سرمایه‌داری و وابستگی به خارج زمینه‌ساز انقلاب و سرنگونی رژیم شاه گردید.

هشتم اینکه در آستانه چهلیمین سالگرد انقلاب بهمن، اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، مالباختگان، پرستاران، رانندگان... علیه فساد، رانت‌خواری، گرانی، بیکاری، بی‌حقوقی و بر علیه ضرب و شتم و شکنجه و نابسامانی نرخ ارز و بر علیه بی‌توجهی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به مطالبات عاجل و دمکراتیک جامعه ادامه دارد. این اعتراضات با این گستردگی و در عین حال پراکندگی در شعارها و اهداف و دورنماهای متناقض، نشان می‌دهد که فقدان رهبری سیاسی، که چشم انداز روشنی به مردم ارائه دهد، به شدت حس می‌شود. تشدید اعمال تحریم‌های ضدبشری و غیرقانونی آمریکا علیه ایران بر شدت این بحران افزوده است.

اکنون رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در دو جبهه در محاصره قرار دارد:

یکم در محاصره اکثریت قاطع مردم بویژه کارگران و زحمتکشان، که به‌رغم سرکوب و زندان و شکنجه هر روز حلقه محاصره را بر رژیم، که هیچ پاسخی جز تشدید فضای رعب و وحشت ندارد، تنگ‌تر می‌کند. رژیم همچنان پاسخ‌نان و معیشت کارگر را با سرنیزه و شکنجه و اعتراف‌گیری قرون وسطایی می‌دهد، تا چند صباحی بر سریر قدرت باقی بماند.

دوم محاصره اقتصادی و نظامی خارجی و جنگ روانی و تحریکات منطقه‌ای مزدوران امپریالیسم آمریکا، عربستان و اسرائیل، رژیم را در شرایط سختی قرار داده است. عقب‌نشینی رژیم و «نرمش قهرمانانه» هسته‌ای برای حفظ نظام نیز با خروج آمریکا از برجام با شکست روبرو شده است. تمام تلاش رژیم تاکنون سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا برای حفظ نظام سرمایه‌داری بوده است. پروژه خائنانه برجام نیز حاصل همین ترس نظام از نارضایی عمومی و خطر اوج‌گیری مبارزات مردم بود.

نهم اینکه انقلاب، قابله هر جامعه کهنه‌ایست که آستن نظم نوینی باشد. اعتراضات و اعتصابات، که در چند سال اخیر به‌ویژه در دیماه ۹۶ آغاز شد، کلیت این نظام بی‌دروپیکر مافیائی، بی‌حساب و کتاب و جانی‌تکار را به زیر پرسش برد و با شعار «اصولگرا، اصلاح‌طلب، دیگه تمومه ماجرا» مهر باطلی بر هرگونه تحول اجتماعی و بهبود اوضاع معیشتی مردم در چارچوب نظام ولایی سرمایه‌داری کوبید. این اعتراضات، به ویژه اعتصابات درخشان کارگران هفت تپه

بین‌المللی این کشور انجام می‌پذیرفتند. امروز سلطنت‌طلبان به جمهوری اسلامی می‌تازند، که چرا در کنار رژیم سکولار و مستقل اسد، علیه نیروهای داعشی می‌جنگد، اما در پاسخ به این پرسش که چرا شاه در ظفار این همه نیرو فرستاد تا نیروهای استقلال‌طلب و چپ و سکولار را سرکوب کند، پاسخی ندارند و خفقان گرفته‌اند.

چهارم اینکه شاه بطور کلی سرسپرده آمریکا بود و در خدمت منافع امپریالیست‌ها عمل می‌کرد. مناسبات بین دولت شاه و دولت آمریکا فراتر از رابطه دو دولت در عرصه دیپلماتیک بود. شاه مدیون امپریالیسم آمریکا بود و بقاء خود را به این ابرقدرت گره زده بود. شاه هیچگاه تصور نمی‌کرد که با وجود چنین حمایتی از غرب و در رأس آن آمریکا، توده‌ها به پا خیزند و او و رژیم‌اش را درهم کوبند.

پنجم اینکه تشدید و ژرفش بی‌عدالتی و تبعیض و سرکوب سیاسی در جامعه و شکاف طبقاتی و ضربه به اقتصاد کشور و تخریب و نابودی کشاورزی و ورود بی‌رویه کالاهای مصرفی و تشویق دهقانان به مهاجرت از روستاها به شهرها، تک‌محصولی شدن اقتصاد میهن و اتکاء به فروش نفت و وابستگی شدید اقتصادی به آمریکا نیز از جمله سیاست‌های نواستعماری بود که به کشور ما تحمیل شد. اصلاحات ارضی امپریالیستی، آب‌کردن کالاهای مصرفی در بازار ایران و نابودی کشاورزی نمی‌تواند مایه افتخار یک ایرانی میهن‌دوست باشد. زنده یاد خسرو گل‌سرخ در بی‌دادگاه شاه شجاعانه‌ترین اصلاحات ارضی آمریکا را به چالش گرفت و آن را محکوم کرد و از مردم ستم‌دیده ایران قهرمانانه دفاع نمود و در راه حقیقت و انسان‌دوستی و ایرانی‌آباد، آزاد، شکوفان و مستقل جانش را فدا کرد.

ششم اینکه شعار «توسعه ملی فرهنگی» و دروازه تمدن شاه و جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شیراز، توخالی و ارتجاعی بود. هزینه‌کردن بیش از چند صد میلیون دلار برای برگزاری چنین جشن مبتذلی بیانگر ورشکستگی رژیمی است که در کشورش قریب به ۷۰ درصد مردم بی‌سواد و از فقدان آموزش و تحصیل و بهداشت و مسکن در رنج بودند. رژیمی که با ادعای «دروازه تمدن» اما کتاب خواندن را ممنوع کرده بود و کتاب‌خوان را در زندان می‌انداخت، نتیجه‌ای جز این نمی‌داشت که نیروهای اهریمنی قرون وسطایی از قعر تاریخ سربرآوردند و از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند و خود را بر مردم تحمیل کنند. دیدن عکس امام در ماه محصول همان فقر فرهنگی عظیمی بود که رژیم پهلوی آفرید.

هفتم اینکه قلع و قمع سازمان‌ها و احزاب سیاسی و اجتماعات و آزادی بیان، زندان و شکنجه و سرکوب خونین مخالفین، نمی‌تواند مایه افتخار ملتی باشد که سالیان طولانی برای آزادی و استقلال جنگیده است. انقلاب بهمن ۵۷ برآمدی علیه این نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی بود و ریشه‌های علل بروز آنرا باید در نکات فوق جستجو کنیم و نه در جادو و جنبل و فلسفه «دائی جان نابلتون» و «کار کار انگلیس» است! تورم، سرمایه‌گذاری‌های نادرست، اُفت کارایی، تخصیص نامطلوب منابع، پروژه‌های نمایشی و مصرف‌گرایی بی‌رویه موجب اتلاف انبوه منابع تولیدی گردید. از سوی دیگر، بخش متنابه از ثروت کشور از طریق افزایش بی‌رویه



سخن هفته

به مناسبت سالروز فرار شاه

روز ۲۶ دی، یکی از ایام افتخارآفرین مبارزات مردم ایران است

در ۲۶ دیماه سال ۱۳۵۷ محمدرضا شاه پهلوی به دنبال تظاهرات میلیونی و مستمر مردم، فرار را برقرار ترجیح داد و ایران را ترک کرد. در آن روز تاریخی، در فرودگاه مهرآباد، چشمان بسیاری، که رفتن شاه را از کشور آغاز پایان خویش می‌دیدند، گریان شدند. فرار شاه از کشور را می‌توان نقطه عطفی در روند انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران قلمداد کرد. محمدرضا شاه مدتی کوتاه، قبل از خروج خود از کشور، پیام معروف‌اش را مبنی بر اینکه «صدای انقلاب‌تان را شنیدم» فرستاد، تا شاید گام‌های کوبنده انقلاب را از حرکت بازدارد. اما این حرفه نیز همانند دیگر اقدامات رژیم شاهنشاهی دیگر اثری نداشت. پاسخ او «توبه‌گرگ، مرگ است» بود و بس.

فرار شاه از کشور با موافقت امپریالیسم آمریکا، و چه بسا با پیشنهاد وی بود. بی‌جهت نبود که آمریکا عامل خود، ژنرال هویر را به ایران فرستاد تا در کوتاه مدت به رتق و فتق امور به‌پردازد، تا در صورت پیروزی انقلاب، که دیگر کسی را بر آن شک نبود، به منافع حیاتی‌اش ضربه‌ای وارد نیاید. پس از فرار شاه زمام امور کشور در کنار دولت مستعجل، به دست امرای ارتش افتاد. اسنادی که در سال‌های گذشته، تحت عناوین «اعترافات»، «خاطرات» و «گفتگوها» از زبان خود این آقایان به انتشار رسیده است، به وضوح نشان‌دهنده این است که سران رژیم و امرای ارتش تا چه حد در خیانت سقوط کرده و چه ید طولانی در وابستگی و وطن‌فروشی داشتند.

اگرچه فرار شاه از کشور و سقوط رژیم‌اش به پیروزی جمهوری دمکراتیک، آزادی بیان و عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، برابری حقوق زن و مرد و بهروزی مردم ستم‌دیده ما منجر نگشت و اکنون بعد از چهل سال از وقوع انقلاب، فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد، دزدی، فحشاء، اعتیاد، سرکوب، اختناق سیاسی، کشتار بی‌رحمانه مردم و عدم امنیت اجتماعی در ایران بیداد می‌کند، علی‌رغم این، این روز، روز ۲۶ دی یکی از ایام افتخارآفرین و درخشان مبارزات مردم ماست و باید آنرا گرامیداشت. این تنها

علیه سیاست‌های نولیبرالی، خصوصی‌سازی‌ها، بیکاری و گرانی و فساد اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی و فریاد خشم فروخته میلیون‌ها کارگر و زحمتکشی است که صبرشان به سرآمده، کارد به استخوان‌شان رسیده و رژیم حامی سرمایه‌دار و شکنجه و زندان اسلامی را مورد آماج حملات خود قرار داده‌اند. برنامه تبهکارانه و درعین حال احمقانه «طرح سوخته» وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و اعتراف‌گیری منزجرکننده از اسماعیل بخشی، علی‌نجاتی و سپیده قلیان ناشی از ترس و سراسیمه‌گی رژیم و مایه رسوایی بیشتر دستگاه حاکمه گشته است. رژیم جمهوری اسلامی پس از چهل سال در مسند قدرت جز فقر، نکبت و سرکوب نیافریده است.

دهم اینکه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران امروز در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به بن‌بست رسیده است و دست‌آوردی جز فقر، تحقیر، تبعیض و هزاران آلام اجتماعی دیگر برای مردم رنج‌دیده ما نداشته و به حق مورد «تفر» توده‌ها قرار گرفته است. اما این «تفر» نمی‌تواند مایه و محرک تغییر و تحول در جامعه ایران باشد، چون نفرت نوعی رمیدگی است، فرار و گریز است و نه ماندن و امر به تغییر شرایط. آنچه که تغییر و تحول را موجب می‌شود، عمل از روی آگاهی است که ناگزیر با سازمان درمی‌آمیزد. پیروزی و موفقیت مبارزات مردم ایران در گروی این دو اصل است.

کارگران ایران به حزب سیاسی و طبقاتی خود نیاز دارند، تا در مصاف با بورژوازی به‌توانند به موفقیت و پیروزی دست یابند. بر اساس این تجارب باید ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد، تا به‌تواند جنبش اعتراضی مردم را رهبری کند و به سر منزل مقصود برساند. حزب کار ایران (توفان) این وظیفه کمونیستی را در دستور کار خویش قرار داده است و بی‌حزبی و سرفروآوردن در قبال اعتراضات خودجوش و بی‌دورنما را نه تنها راه حل خروج از بحران کنونی نمی‌داند، بل دنباله‌روی از بورژوازی و شکست و بن‌بست سیاسی و به زیان منافع کارگران و زحمتکشان ارزیابی می‌کند.

برای تحقق مطالبات دمکراتیک انقلاب بهمن، برای آزادی و حقوق اولیه و بنیانی کارگران و زحمتکشان و توده‌های تحت ستم، برای دفاع از ادامه و تضمین استقلال سیاسی ایران، انقلاب دیگری باید سامان گیرد. انقلابی که رسالت پاسخ به این وظایف انجام نشده را داراست؛ یک انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی به رهبری حزب واحد طبقه کارگر است و تنها چنین انقلابی راه نجات مردم ایران است. •

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



زنان و شکستِ طلسمِ وحشتِ شکنجه در ایران!

«هیچ حیوانی به حیوانی نمیدارد روا آنچه این نامردمان با جان انسان می کنند» - فریدون مشیری

شکنجه در طی تاریخ حکومت‌های دیکتاتوری همواره یکی از اثربخش‌ترین ابزار ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و شکستن مقاومت مبارزان محسوب می‌شد، تا بتوانند با ایجاد ترس حکومت کنند. به گفته روانشناسان، آخرین سنگر دفاعی یک انسان، بدن اوست، که در اثر شکنجه این حریم خصوصی مورد تجاوز قرار می‌گیرد. زندان انفرادی، بستن چشم هنگام بازجویی، بی‌خوابی، بی‌غذایی، بی‌آبی، اجازه نرفتن به توالت، محرومیت از دیدار با خانواده، تهدید به اعدام مصنوعی یا دیدن اعدام رفقاً، تحقیر فرد با استفاده از کلمات رکیک، فحش، تفر کردن به صورت، تهدید به دستگیری و شکنجه افراد خانواده و... اینگونه شکنجه‌ها در درازمدت بر سیستم عصبی زندانی تأثیر می‌گذارد و هرچه این روند طولانی‌تر شود، بیشتر بیم آن می‌رود که ارگان‌های بدن هم تحت تأثیر فشارهای روانی ناشی از رفتارهای فوق‌العاده قرار بگیرند و علائمی چون تغییر ضربان قلب و بالا رفتن فشار خون، ناراحتی‌های گوارشی، تشنج، بی‌خوابی، سردرد، ایست قلبی، بروز و پیشرفت بیماری‌های مختلف گردد. شکنجه‌های جسمی، چون کتک و شلاق، سر به زیر آب فرو بردن یا فرو بردن سر در مدفوع و ادرار، سوزاندن اعضای بدن به طرق مختلف، شوک الکتریکی، در تابوت گذاشتن، فرو کردن اشیا به داخل بدن فرد، از سرآویزان کردن از سقف، شوک الکتریکی، استفاده از داروهایی که به پریشان‌خاطری منجر می‌شوند، روش‌هایی برای درهم شکستن اراده زندانی و وادار کردن شخص به اعتراف و همکاری با بازجو هستند.

بقایای رژیم پهلوی و روشنفکران اخته، خودفروخته و خیانت‌کاراند که در سالگرد فرار شاه به عزا نشسته‌اند و آرزوی احیای رژیم فاسد سلطنتی را در سر می‌پرورانند. ننگ‌شان باد!

سرنوشت رژیم منفور جمهوری اسلامی همان سرنوشت رژیم جنایت‌پیشه و اجنبی‌پرست پهلوی است، که با انقلاب عظیم مردمی به زباله‌دانی تاریخ پرتاب شد. رژیم نه با سازش و آشتی با امپریالیسم و نه با فریب و سرکوب مردم قادر به جلوگیری از فروپاشی این نظم چرک و خون خواهد بود. دور نخواهد بود که کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، زنان و جوانان و همه آحاد مردم ایران زهر تلخ ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ را به رژیم سراپا خیانت و جنایت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به‌چکانند.

۲۶ دیماه ۱۳۹۷

۲۶ دی، روز خروش ملت، روز فرار شاه، روز آغاز فروپاشی کاخ پوسیده و فاسد پهلوی، روز فرار نوکر دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا گرامی باد!

امروز پس از چهل سال فرار محمد رضا شاه، فرزند انگل و مفت‌خورش، رضا پهلوی، مدعی تاج و تخت است و خیز برداشته است تا با مصادره اموال ایران توسط آمریکا و محول کردن آن به او، مبارزه علیه حکومت ملایان را به پایان ببرد! زهی بیشرمی! وی که هنوز در قبال دزدی‌های پدرش هیچ حسابی پس نداده است، چشم به ثروت باقی مانده ملت دوخته است. اسناد و مدارک موجود در ایران نیز نشان می‌دهند که بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران، شامل ۲۲۰ هکتار زمین، قبل از خروج او از کشور، در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده است. فرح پهلوی و فرزندان خندان و خوشحال او در حالی اعلام می‌کنند که اموال شاه تنها ۶۲ میلیون دلار بوده که رقم رؤیایی چند ۱۰۰ میلیارد دلاری آن، طبق برآوردهای برخی نویسندگان و روزنامه‌نگاران غربی تخمین زده شده است. عباس میلانی نیز در کتاب خود می‌نویسد:

«از صبح ۲۶ دی ضرب زندگی در دربار تندتر شده بود. همه چیز انگار در حال تعلیق بود. سفر شاه و ملکه قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید. دو روز قبل از سفر در ۲۴ دی، چهارده بسته‌ی بزرگ، پر از متعلقات شاه و خاندان سلطنتی، به فرودگاه برده شده بود. اندازه‌ی این بسته در حدی بود که عملاً یکی از دو هواپیمایی را، که قرار بود شاه و همراهانش را به خارج ببرد، پر می‌کرد. چند روز قبل نیز هواپیمای اختصاصی کوچکی، الیاسی، یکی از خدمتکاران معتمد شاه را به ژنو برده بود. الیاسی اوراق بهادار و دیگر اسناد ارزشمند شاه را به همراه خود به سوئیس برد. چند و چون این پرواز یکسره محرمانه نگه داشته شد. محتویات آنچه الیاسی به سوئیس برد نیز روشن نیست.»

سرنوشت رژیم جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی نیز همان سرنوشت رژیم اجنبی‌پرست پهلوی است که دیر یا زود با انقلاب مردم به گورستان تاریخ پرتاب خواهد شد! ●

فعال دانشجو و فعال صنفی/کارگری- به نوع دستگیری و شکنجه در هنگام دوران بازداشت خود، از سوی نشانه بیداری و هوشیاری جامعه و از سوی دیگر انفجار فریادهای در گلو خفه شده مردمی است که رژیم در طی چهار دهه اعتراضات و دادخواهی آنها را با باتوم، شکنجه و زندان پاسخ گفت.

اینبار فعالین نه ترس از «برباد رفتن آبرو» داشتند و نه ترس از تهدیدات رژیم. خواست پاسخگویی آقای بخشی از علوی به عنوان وزیر اطلاعات، یعنی درهم شکستن نهاد ترس و سرکوب حکومت و تأکید بر آن که فریاد آزادی خواهی و برابری طلبی خاموش شدنی نیست. پخش مصاحبه تلویزیونی خانم قلیان و آقای بخشی تلاشی ناشیانه بود که زبونی رژیم را آشکارتر کرد و نتیجه ای برعکس انتظار رژیم را برایش به ارمغان آورد، چرا که مردم نه تنها استفاده از چند نام از گوشه و کنار کشور و خارج کشور و گره زدن به نام بازداشت شدگان را باور نکردند، بلکه این سوال مطرح شد که حتی اگر این چند نفر وابسته به چند سازمان و حزب معلوم الحال هم باشند، آیا همه معترضین حاضر در خیابانها وابسته به سرنگون طلبان خارج هستند؟ آنها سوال کردند که اساساً پاسخ حکومت به خواسته های برحق هزاران کارگر، زحمتکش، معلم، پرستار و... تاکنون چه بوده است، غیر از دستگیری، شکنجه؟ حضور پررنگ زنان در تظاهرات و اعتراضات صنفی، رژیم را به چالشی جدید، که باب طبع آنان نیست، کشانید. کارگران و زحمتکشان جامعه نیز با هوشیاری مانع از موش دوانی های جناح های مختلف در صفوف خود شدند.

اینبار آنها هژمونی حکومتی را شکستند و تاکنون به طرفداری از این جناح و آن جناح حکومتی وارد میدان نه شدند، بلکه برخاست اتحادیه های مستقل، سندیکا، پرداخت مطالبات معوقه... ایستادگی و پافشاری کردند و باری دیگر ثابت شد که رژیم جمهوری اسلامی چون دیگر دیکتاتورهای دیوانه در برابر فریاد حق طلبی و عدالت طلبی زنان و مردان منسجم اشتباهات خود را تکرار خواهد کرد.

رژیم توان مبارزه در برابر خروش سیل به راه افتاده خلق متحد را ندارد و طلسم وحشت شکنجه دیو دیکتاتوری در جامعه دیگر اثر نخواهد داشت. بیم رژیم آخوندها نیز از همین روست. ●

آسیب پذیری زنان در جامعه سنتی و مذهبی ایران در برابر شکنجه بیش از مردان است. تجاوز به زندانی زن و اعضای خانواده او وسیله ایست برای فشار روانی مضاعف بر او. به عقد اجباری در آوردن دختران باکره پیش از اعدامها در دهه شصت با هدف خار کردن دختران و خانواده های آنان در جامعه سنتی - مذهبی انجام می پذیرفتند، تا عبرتی شود برای دیگران. دختران جوانی، که پس از دستگیری مورد تجاوز قرار گرفتند، اکثراً پس از آن یا به هذیان گویی دچار شدند یا با افسردگی شدید دست و پنجه نرم کردند و یا آنکه برخی اقدام به خودکشی در زندان یا خارج از زندان کردند. شرایط برای زنان زمانی بغرنج تر می شود که آنان پس از تجاوز شکنجه گر حامله شوند. برخی می گویند کتک زدن با زنجیر و لگدن به شکم زنان با هدف جلوگیری از حاملگی احتمالی آنان انجام می گیرد. از دیگر شیوه های مرسوم در زندان های مخوف جمهوری اسلامی مجبور کردن زنان به لخت شدن، تهمت های جنسی زدن به آنان است و آنگاه که زندانیان زن می شکنند، با تهدید پخش اعترافات آنان در مطبوعات و صدا و سیما روبرو می گردند. اعترافات مبنی بر روابط نامشروع جنسی و دیگر اتهامات واهی، که هنگام شکنجه مجبور به اعتراف و امضا شده اند. حال با وجود این تهدیدات فعالین صنفی بیان کرده اند که در مورد آنان هر دو نوع شکنجه اعمال شده است و می توان تصور کرد تحت چه شرایطی فعالین صنفی در هفته های قبل مجبور به اعترافات کتبی و تلویزیونی شدند. عسل محمدی در مورد فشار برای گرفتن اعتراف از سپیده قلیان می گوید، قلیان به صورت اش چنگ می زد که کاش بمیرم و این اعترافات را امضا نکنم.

با وجود همه تهدیدها و اعمال زور علیه فعالین صنفی به قید وثیقه آنها اقدام به نشر نامه هایی افشاگرانه و اعتراضی نسبت به دستگیری ها و بازداشت ها و بازجویی های وحشیانه نسبت به خود و دیگر فعالین صنفی نمودند. این افشاگری منجر به دستگیری مجدد خانم قلیان و آقای بخشی شد. با وجود آنکه به آنها تذکر جدی داده شده بود که مبادا «چیزی به بیرون درز پیدا کند»، اما دیدیم که همگی دلبرانه سخن گفتند و نوشتند. با توجه به فضای دیکتاتوری حاکم در ایران، این نامه ها حاوی پیامی نانوشته بودند. این افراد نه تنها مرعوب تهدیدهای دادستانی نگشتند و شجاعانه به زیر پای گذاشتن حقوق انسانی خود اعتراض کردند، بلکه اولین باری بود که «متهمان و بازداشت شدگان» از مسئولان کشور خواستند تا پاسخ گو باشند. اسماعیل بخشی در جملات پایانی متن خود، «علوی»، رئیس اطلاعات را به پاسخگویی فرا خواند و نه به مناظره تلویزیونی. خانم قلیان حاضر شد در دادگاهی علنی محاکمه شود. خانم آزادی هم پس از شرح تهدیدها و تحقیرها، که بر او گذشت، در پاسخ اتهامات وارده مبنی بر وابستگی به دشمنان ایران گفت: «... سالهاست که مواضع فکریم را با شفافیت خاصی علیه نئولیبراسم جهانی بیان داشته ام و در رأس آن هم امریکا است. برخلاف شعارهای سردمداران جمهوری اسلامی...».

خانم ها میثزه آزادی - فعال صنفی معلمان، سپیده قلیان - دانشجو/خبرنگار آزاد، اسماعیل بخشی - فعال کارگری و عسل محمدی،



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN



به احزاب و سازمان‌های مارکسیستی لنینیستی متشکل در کنفرانس بین‌المللی

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را تا آستانه مرگ شکنجه کرده است

رفقای گرامی،

بیش از دو ماه است که کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکرهفت تپه، در استان خوزستان ایران، به خاطر دستمزد پرداخت نشده چند ماهه و خصوصی کردن شرکت، دست به اعتصاب و اعتراض خیابانی می‌زنند. این شرکت توسط رژیم جمهوری اسلامی به بخش خصوصی فروخته شده است. کارگران اعتصابی خواستار بازگشت این شرکت به بخش عمومی هستند.

اعتصاب و اعتراضات درخشان کارگران نیشکر هفت تپه از حمایت وسیع کارگران اعتصابی شرکت فولاد اهواز، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان دانشگاه‌ها و بسیاری از بخش‌های دیگر جامعه برخوردار است.

اسماعیل بخشی، یکی از اعضای برجسته سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه و سخنگوی کارگران معترض، همراه با بیش از بیست کارگر دیگر، توسط وزارت اطلاعات و امنیت ایران در تاریخ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸ دستگیر شد. رژیم جمهوری اسلامی ایران اسماعیل بخشی را تحت شکنجه شدید فیزیکی و روحی، از ضرب و شتم تا شکنستن دنده‌ها و آسیب‌رساندن به گوش و کلیه‌ها و بیضه‌ها تا خوراندن داروهای روان‌گردان، قرارداد. در اثر اعتراض‌های داخلی و بین‌المللی، اسماعیل پس از ۲۵ روز با بدنی دردآلود اما روحیه‌ای

«طراحی سوخته»، طرحی سوخته و تبهکارانه

برنامه تبه‌کارانه و در عین حال احمقانه «طراح سوخته» وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و اعتراف‌گیری مُنجرکننده از اسماعیل بخشی، علی‌نجاتی و سپیده قُلیان به زیان رژیم و مایه رسوایی بیشتر دستگاه حاکمه گشته است. در این سناریوی نفرت‌انگیز، که از روحش سراسیمه‌گی و ترس و استیصال می‌تراود، هیچ تأثیری بر فعالین کارگری و فرودستان جامعه، که در میدان مبارزه برای نان، کار، حقوق معوقه و افزایش دستمزد می‌رزمنند، ندارد. این سیاست ضد بشری و بزدلانه نشان از آن است که رژیم خود را در محاصره کارگران و همه زحمتکشان می‌بیند و به سیم آخر زده است. سپیده قُلیان و اسماعیل بخشی، که جسورانه از حقوق کارگران هفت تپه به پا خاسته‌اند، دوباره توسط گرازه‌های اسلامی حامی سرمایه‌داران بازداشت شده‌اند.

بازداشت مجدد این دو انسان مبارز چیزی جز هراس از رشد مبارزات کارگران هفت تپه و سراسر ایران و تشدید فضای رعب و اختناق نیست. رژیمی که پاسخ نان و حقوق یک کارگر را با بازداشت و شکنجه و زندان دهد، رژیمی پایدار و با ثبات نیست و نخواهد بود، دیر یا زود توسط کارگران و زحمتکشان سرنگون و به گورستان تاریخ پرتاب خواهد شد. این گونه به‌گیر و به‌بندها امر تازه‌ای نیست و رژیم در خلال چهار سال حکومت منحوس خود، چنین عمل کرده و بقایش بدون توسل به سرکوب و سرنیزه امکان پذیر نبوده است. شک نیست سناریوی «طراحی سوخته» یکی از احمقانه‌ترین و ناشایسته‌ترین طرح‌های اطلاعاتی رژیم در طول چهار سال حاکمیت منفور جمهوری اسلامی بوده است و چنین سیاستی نمی‌تواند وی را از مرگ و هلاکتی، که در انتظارش است، بهراند.

برای آزادی سپیده قُلیان، اسماعیل بخشی و علی‌نجاتی به کوشیم و با جلب نیروهای مترقی و بسیج افکار عمومی صدای آنها باشیم

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

۲ بهمن ۱۳۹۷

قوی آزاد شد.

در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۱۹، اسماعیل بخشی در اینستاگرام خود بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن به برخی از جزئیات شکنجه‌اش اشاره شده است:

«... در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم، مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آنها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام. در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم.....». اسماعیل بخشی شجاعانه نامه‌ای به محمود علوی، وزیر اطلاعات و امنیت رژیم جمهوری اسلامی نوشته است و او را به مناظره تلویزیونی زنده برای توضیح چرایی شکنجه‌اش در بازداشتگاه دعوت کرده است. «... و مرا آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجرآور بود. امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم.....».

اسماعیل بخشی در پست اینستاگرام خود به این نکته اشاره کرده است که خانم سپیده قلیان، روزنامه‌نگار زندانی را هم شکنجه داده و به او فحش‌های رکیک جنسی می‌دادند.

همچنین این کارگر مبارز، کنترل و شنود مکالمات تلفنی شخصی قبل از دستگیری خود را توسط رژیم جمهوری اسلامی، افشا می‌کند.

نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات رژیم اسلامی در سطح وسیعی در رسانه‌های عمومی و اجتماعی بازتاب یافته است.

پس از انتشار اخبار مربوط به شکنجه یک فعال کارگری، رژیم جمهوری اسلامی مجبور به عکس‌العمل شد. و طبق معمول، نیروهای امنیتی رژیم قربانی را تحت فشار برای انکار شکنجه قرار دادند. هم اکنون، اسماعیل بخشی و خانواده‌اش توسط وزارت اطلاعات رژیم تحت فشار قرار دارند، تا اسماعیل نامه خود را پس گرفته و شکنجه شدن‌اش را انکار کند.

حقیقت این است که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته از شکنجه علیه فعالین سیاسی و زندانیان سیاسی استفاده کرده است. نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از شکنجه به عنوان یک روش برای مجبورکردن فعالان به اعترافات دروغین به «اختلال نظم عمومی» و «توطئه علیه امنیت ملی» و... استفاده می‌کنند. آنها شکنجه را برای درهم شکستن روحیه زندانیان سیاسی بکار می‌گیرند.

امروز، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی سعی دارد مقاومت شجاعانه فعال برجسته کارگری، اسماعیل بخشی را، که پرچم نان، آزادی، عدالت اجتماعی را در دست دارد، درهم‌شکند. مردم ایران در مورد جنایات رژیم اسلامی، که مسبب فقر، فلاکت و تاریک‌اندیشی در کشور است، سکوت نخواهند کرد. ما اجازه نه‌خواهیم داد که رژیم در آرامش به‌سربرد. ما قاطعانه به جنایات رژیم اعتراض نموده و آنها را افشا می‌کنیم و صدای اسماعیل بخشی

و دیگر فعالان کارگری خواهیم بود.

حزب کار ایران (توفان) ارتکاب جنایت رژیم جمهوری اسلامی علیه اسماعیل بخشی را به اطلاع احزاب و سازمان‌های برادر و خواهر متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیستی-لنینیستی (ICMLPO) می‌رساند و از آنها می‌خواهد رژیم جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر محکوم و افشا نموده و همبستگی خود با طبقه کارگر ایران را به هر شکل ممکن ابراز دارند.

کارزار همبستگی با اسماعیل بخشی و دیگر فعالان سیاسی و کارگری ایران بدون وقفه تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به لیست طولانی جنایات خود اعتراف نکرده است، ادامه خواهد داشت. ما، همراه با رفقای برادرمان، که برای سوسیالیسم و علیه سرمایه‌داری، امپریالیسم، و ارتجاع مبارزه می‌کنیم، در ساخت و تقویت این کارزار همبستگی مجدداً کوشانیم.

دست رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از اسماعیل بخشی و خانواده‌اش کوتاه باد!

زنده باد همبستگی با اسماعیل بخشی و فعالین کارگری ایران!

حزب کار ایران (توفان)

۷ ژانویه ۲۰۱۹

احزاب برادر متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیستی-لنینیستی:

- حزب کمونیست کارگران تونس،
- حزب کار ترکیه،
- حزب کمونیست کارگران دانمارک
- حزب کمونیست کارگران فرانسه
- تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست کارگران آلمان
- پلاتفرم کمونیستی نروژ
- تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان
- حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا - پلاتفرم کمونیستی
- حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)
- حزب کمونیست کار دومینیکن
- حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست - لنینیست)
- حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)
- حزب کمونیست انقلابی ولتا (پورکینو فاسو)
- حزب کمونیست شیلی (عمل پرولتری)
- حزب کار ایران (توفان)
- حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست - لنینیست)
- حزب کمونیست انقلابی برزیل
- حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست - لنینیست)
- حزب کمونیست بنین
- حزب کمونیست آلبانی
- حزب کمونیست توگو
- جبهه کارگران پاکستان
- راه دمکراتیک مراکش
- حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج
- حزب کمونیست پرو (مارکسیست - لنینیست)
- دمکراسی انقلابی هندوستان



سخن هفته

امپریالیسم نه مبشر آزادی است و نه متحد مردم ایران برای رهائی از سلطه جمهوری اسلامی

جمعی در میان ایرانیان وجود دارند که با تکیه بر خیانت‌ها، جنایت‌ها، فساد و بی‌قانونی‌ها ... و تبلیغات بر سر آنها، که بسیار به گوش خوش می‌آیند و به دل می‌نشیند، که واقعیت هم دارد، مانند همه ظاهراً آرزوی وضع بهتری را دارند. ولی در ارزیابی از این وضع بهتر فاجعه‌ای را توصیه می‌کنند که هم نشانه عدم اعتماد به مردم ایران و هم خوش‌بینی به بیگانگان است. البته بسیاری از این نادانان سیاسی و دلخستگان امپریالیسم پس از اینکه شاهد وضعیت افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و... و ادعاهای کاذب امپریالیسم، مبنی بر احترام به حقوق بشر، استقرار آزادی‌های دموکراتیک و نهادینه‌کردن حقوق شهروندی، پیاده کردن دموکراسی، عدالت اجتماعی، به رسمیت شناختن استقلال و حق خود تعیینی سرنوشت و... بوده‌اند، حاضر شده‌اند در بی‌عملی خویش به تب جمهوری اسلامی راضی شوند. ولی نیروهای دیگری هم هستند که اعتقاد به نیروی خودی نداشته به بیگانگان چشم دوخته‌اند و آرزو دارند تا امپریالیست‌ها به ایران حمله کنند و آنها نیز در پای رکاب امپریالیست‌ها برای نیل به قدرت توسط امپریالیست‌ها با دشمنان بشریت همکاری کنند.

نیازی نیست تا ما دنیائی را که امپریالیست‌ها می‌خواهند به وجود آورند، تصویر کنیم. این دنیا در مقابل چشمان ما قرار دارد. از امپریالیسم نمی‌شود آزادی و رعایت حقوق بشر را تقاضا نمود. تجربه تاریخ هنوز زنده در مقابل ما عرض اندام می‌کند. داعش آخرین آن و بدترین نوع آن نخواهد نیست. این است که این یاران امپریالیسم از نظر تنوریک تلاش دارند تا ماهیت واقعی امپریالیسم را کتمان کنند و این جنایتکاران را آرایش نمایند. آنها مشاطه‌گران امپریالیسم نیز هستند.

امپریالیسم هرگز حکومتی را در ایران بر سرکار نمی‌آورد، تا منافع مردم ایران را تامین کند. سرنوشت مردم ایران همیشه برای امپریالیست‌ها

بی‌تفاوت بوده است و خواهد بود. امپریالیسم آمریکا در بسیاری از کودتاهای جهان برای حفظ منافع خویش و بر ضد منافع مردم کشورهای مورد تهاجم شرکت داشته است. سرنگونی حکومت دکتر مصدق در ایران، آکینده در شیلی، لومومبا در کنگو، احمد سوکارنو و وزیر امور خارجه‌اش در اندونزی و... گواه جنایات این تجاوزگران است. آنها کشورها را تنها برای منافع راهبردی خویش، اعم از اقتصادی و سیاسی اشغال می‌کنند. دل آنها برای کمبود رعایت حقوق بشر هیچگاه نسوخته است. مگر خود آنها حقوق بشر را در داخل کشورشان محترم می‌دارند که برای دیگران دل به‌سوزانند. آمریکا در کشور خود هنوز نتوانسته است، در زندان غیرقانونی و ضد بشری گوانتانامو را به بندد و به تبعیض نژادی و سرکوب سیاهان خاتمه دهد. هنوز میلیون‌ها پناهنده و مهاجر در شرایط غیرقانونی با دستمزد ناچیز در آمریکا مشغول کارند و تحت فشار قرار دارند، تا با فضای ترس و وحشت و زیستن در شرایط غیرقانونی به هر کار طاقت‌فرسایی با دستمزد کم تن دهند.

امپریالیست‌ها نه مبشر آزادی و دموکراسی هستند و نه خواهان پیشرفت کشوری. زیرا پیشرفت سایر ممالک، تولید رقبای آینده است که در تضاد کامل با ماهیت غارتگرانه انحصاری امپریالیستی قرار دارد. چشم امید به امپریالیست‌ها دوختن، دور از وظیفه اساسی است که انسانها باید برای رهائی خویش به آن به‌اندیشند.

به نظر حزب ما رهائی مردم ایران از زیر سلطه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که یک انگل به تمام معناست، تنها با نیروی مردم ایران، با تکیه به زحمتکش‌شان جامعه به مثابه نیروی عمده تحول و تکامل در ایران مقدر است. باید روحیه تکیه به نیروی خود را تقویت کرد. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی را باید در کادر منافع مردم ایران به پیش برد، نه در کادر منافع امپریالیسم و صهیونیسم جهانی. هم باید با بی‌عملی و هراس مردم از سلطه نظام وحشتناک‌تر مبارزه کرد و هم با نظریات کسانی که موجبات این نظام وحشتناک‌تر را فراهم می‌کنند، ولی خود را «دمکرات» و «آزادی‌خواه» جا می‌زنند.

سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۷



پیکار بازنشستگان خاموش

شدنی نیست

«معلم، بازنشسته، پرستار اتحاد اتحاد!»

مشکل بازنشستگان و به خصوص بخش صندوق بازنشستگی، در شرایط فعلی فشارهای تحریم اقتصادی و از دیگر سو به خاطر بی‌تدبیری فساد نهادهای دولتی و خصوصی، سیاست‌های نئولیبرالی و رانت‌خواری زیرمجموعه حکام ایران به معضلی غیر قابل حل تبدیل گشته است. ما در شماره ۱۴۵ توفان الکترونیکی به بخشی از آن اشاره کردیم و همانجا هشدار دادیم که اگر به مشکلات صندوق بازنشستگی رسیدگی دقیق و دلسوزانه نشود، در آینده حل مشکلات در این خصوص غیرممکن می‌گردد و می‌بینیم که با وجود این نظام فاسد غیرممکن گشته است.

در پی انتقادات از لایحه بودجه ۱۳۹۸، «اکبر شوکت»، از اعضای هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی، لایحه بودجه را ادامه «بی‌توجهی کامل دولت روحانی به زحمتکشان» دانست. به گفته او دولت در لایحه بودجه هیچ اعتباری برای پرداخت بدهی ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی به سازمان تأمین اجتماعی در نظر نگرفته، محل پرداخت بدهی جاری ۲۴ هزار میلیارد تومانی امسال به این سازمان را هم مشخص نکرده است. او در ادامه گفت که با این وضعیت،

شاهد کسری بودجه شدید در سازمان تأمین اجتماعی خواهیم بود. به گفته شوکت، کسری بودجه سازمان تأمین اجتماعی تا پایان امسال به سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت مطالبات بازنشستگان خواهد رسید. با این حال دولت، سازمان تأمین اجتماعی را موظف کرده است درآمدهای حاصل از حق بیمه را به حساب خزانه کل واریز کند. شوکت این اقدام را «حیف و میل» منابع تأمین اجتماعی برای «طرح تحول سلامت» عنوان کرد، که به گفته او «بی‌ثمر» و تنها باعث «افزایش بار مالی بر تأمین اجتماعی» است. او گفت ادامه این وضعیت موجب افزایش اعتراض‌هایی خواهد شد که ممکن است «غیرقابل مهار» باشند.

او راست می‌گفت و کم‌کم سیل عظیم بازنشستگان ناراضی خیابان‌ها را تسخیر کرد. ما در هفته‌های گذشته در کنار اعتراضات کارگران، معلمین و دانشجویان، شاهد تظاهرات باشکوه بازنشستگان نیز بودیم. بد نیست به شعارهای بازنشستگان نظری افکنیم:

۶ بهمن در کرمانشاه: «ایران مال دزدانه، معلم در زندانه»

۳ بهمن «وزیر بی‌لیاقت استعفا». «آموزش رایگان، حق مردم ایران». «معیشت، منزلت حق مسلم ماست». «آموزش رایگان، حق فرزند ایران». «معلم زندانی آزاد باید گردد». «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد».

۲ بهمن در واکنش به پخش مستند طراحی سوخته از صدا و سیما «شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد». «از وعده‌ها خسته‌ایم، ما همه

هزار و ۱۶۱ نفر بوده است که تا پایان آذرماه امسال به ۱ میلیون و ۴۱۴ هزار و ۹۴ نفر رسیده و حاکی از رشد بالای ۴ درصدی تعداد حقوق بگیران بازنشسته است. از این تعداد ۱ میلیون و ۱۶۵ هزار و ۱۵۷ نفر (بازنشسته از کارافتاده) شخصاً حقوق دریافت می‌کنند و حقوق بازنشستگی ۱۸ درصد باقیمانده به وراثت ایشان (۳۳۹ هزار و ۶۵۳ نفر) پرداخت می‌شود. طبق اعلام دفتر برنامه‌ریزی و توسعه سیستم‌های صندوق بازنشستگی کشوری، ۶۸ درصد از جامعه حقوق بگیران را مردان و ۳۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهد.

بیشترین جامعه حقوق بگیران صندوق بازنشستگی با ۸۰۲ هزار و ۸۴۶ نفر مربوط به وزارت آموزش و پرورش است که ۵۸.۵ درصد کل بازنشستگان صندوق فوق را در برمی‌گیرد. طبق آمار منتشر شده ۴۱ هزار و ۳۹۱ نفر دارای مدرک فوق لیسانس، ۳۱۵ هزار و ۳۴۶ نفر مدرک کارشناسی، ۲۵۰ هزار و ۲۴۵ نفر فوق دیپلم، ۱۸ هزار و ۵۴ نفر دکترا و به بالا هستند.

محمد مهدی زاهدی، نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با ایسنا می‌گوید: «صندوق بازنشستگی فولاد استان کرمان از سال ۹۲ بیش از ۴۰۰ میلیارد ریال به مرکز درمانی استان بدهکار است و اخیراً به قراردادهای مراکز درمانی استان و عدم ارائه خدمات بازنشستگان فولاد منجر شده است». او می‌افزاید: ۱۵۰ میلیارد از این بدهی به مراکز درمانی پرداخت شد و ابراز داشت «در لایحه بودجه ۹۸ بازنشستگان فولاد در ردیف شماره ۷ قرار گرفته و بدین‌سان مشکلات بازنشستگی در اولویت قرار گرفته است». جالب اینکه در لایحه امسال میزان بودجه سال گذشته صندوق فولاد تغییری نکرده و به عبارتی با در نظر گرفتن تورم ۴۰ درصدی، قدرت خرید بازنشستگان فولاد نسبت به سال جاری ۴۰ درصد کمتر خواهد شد.

هر چند بنابر مسئولان دولتی حقوق بازنشستگی بازنشستگان تأمین اجتماعی طی چهار سال گذشته ۱۱۰ درصد افزایش یافته است، اما با وجود این افزایش‌ها هنوز هم وضعیت معیشت و زندگی بازنشستگان با خواسته‌ها و انتظارات برحق آنها فاصله دارد و مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی، هزینه حتی ده روز در ماه را کفایت نمی‌کند. به این دلیل است که دولت از بسته حمایتی دوپست هزار تومانی به تمامی بازنشستگان تأمین اجتماعی خبر داد که در دی ماه امسال واریز شد و طی آن دو میلیون و ششصد هزار بازنشسته، از کار افتاده و مستمری بگیر تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، که حقوقی پایین‌تر از سه میلیون تومان می‌گیرند، مشمول دریافت این بسته‌های حمایتی شده‌اند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علی اصغر بیات، رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی کشور در هشتمین اردوی سیاحتی، فرهنگی و آموزشی اعضای هیات مدیره کانون‌های کارگری بازنشسته تأمین اجتماعی مازندران در جزیره کیش (در جزیره کیش چه می‌کرده؟! چرا این هیئت با سرمایه بازنشستگان به عیش و عشرت می‌پردازد؟! با اشاره به بدهی ۱۸۲ میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی گفت: «دولت می‌بایست هر ساله

هم بسته‌ایم». «کارگر زندانی، دانشجوی مبارز، آزاد باید گردد». ۱۱ دی ماه مقابل مجلس: «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد» و یا «مجلس به این بی‌غیرتی هرگز ندیده ملتی» و یا «تورم گرانی بلای جان مردم». «تورم، گرانی، جواب بده روحانی»

۱۲ دیماه در مشهد: «بچه‌ها مون بیکارند، چون ژن خوب ندارند». «ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه». «اختلاس‌ها کم بشه، مشکل ما حل میشه».

۲۳ دیماه مقابل صندوق ذخیره فرهنگیان مرکز دزدی و چپاول بازنشستگان بی‌گناه: «اختلاس سرمایه از صندوق ذخیره». «فرهنگی بیداره، از مختلس بیزاره». «بانک سرمایه، مال ماست، پول‌های ما در یغماست».

در ایران ۱۷ نوع صندوق‌های بازنشستگی موجود است، که کمتر کسی به مزایای یکی بر دیگری واقف است. محمد حسن زدا، معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی فهرست برخی از این صندوق‌ها را اینگونه ارائه می‌دهد:

- سازمان تأمین اجتماعی: ۱۳ میلیون و ۸۵۰ هزار نفر بیمه شده، ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار مستمری بگیر.
- صندوق بازنشستگی کشوری: یک میلیون و ۲۶۰ هزار بیمه شده، یک میلیون و ۳۰۰ هزار مستمری بگیر.
- صندوق کشاورزان، روستاییان و عشایر: یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بیمه شده، ۵۰ هزار نفر مستمری بگیر.
- صندوق بازنشستگی کارکنان بانک‌ها: ۱۵۷ هزار نفر بیمه شده، ۱۱۰ هزار نفر مستمری بگیر.
- صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت: ۹۳ هزار نفر بیمه شده، ۷۴ هزار نفر مستمری بگیر.
- صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد: ۱۲ هزار نفر بیمه شده، ۷۵ هزار نفر مستمری بگیر.
- صندوق حمایت وکلای دادگستری: ۲۸ هزار نفر بیمه شده، ۶۷۰ نفر مستمری بگیر.
- صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز: ۱۱ هزار نفر بیمه شده، ۴۲۰۰ نفر مستمری بگیر.

در سال ۱۳۹۶ ضریب پشتیبانی تأمین اجتماعی عدد ۶ بود و صندوق بازنشستگی ضریب پشتیبانی ۱ را به خود اختصاص داد، که به معنای ورشکستگی کامل این صندوق است. بیهوده هم نیست که رئیس کانون بازنشستگان گلوگاه از شکنجه بازنشستگان سخن می‌گوید.

طبق اطلاعاتی که در رسانه‌های ایران منتشر می‌گردد، رشد تورم در سال جاری ۴۰ درصد بوده است و این در حالیست که حقوق بازنشستگان تنها ۱۰ درصد افزونی داشته است و از قرار این افزونی در سال آینده به ۲۰ درصد می‌رسد. روشن است با این رویه بازنشستگان هر سال بیشتر به سوی فقر کسانده میشوند.

بنابر بهروز انتظاری، رئیس اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل صندوق بازنشستگی کشوری: تعداد کل حقوق بگیران صندوق بازنشستگی شامل بازنشستگان، از کارافتادگان، شاغلان متوفی و بازنشستگان متوفی تا پایان آذر ماه سال گذشته ۱ میلیون و ۳۵۸

در بودجه سنواتی خود بخشی از این بدهی را پرداخت نماید که براساس این موضوع دولت سال گذشته مکلف به پرداخت ۵۰ هزار میلیارد تومان از این بدهی شد و امسال هم مجاب به پرداخت همین مقدار از بدهی خود شده است».

گفته‌ها حکایت از آن دارد که حقوق بازنشستگان در سال ۹۸ بیست درصد افزایش خواهد یافت و این در حالیست که میزان تورم در سال ۹۷ چهل درصد است. به گفته دبیر کانون بازنشستگان استان تهران، افزایش ۲۰ درصدی حقوق‌ها در سال آینده با توجه به نوسانات ارزی و مشکلات اقتصادی بازنشستگان، اصلاً کافی نیست و می‌افزاید: «ما خواستار این هستیم که به جای افزایش‌ها، قیمت‌ها متعادل شود چرا که یک بازنشسته نمی‌تواند با حقوقی که دارد، هم مشکل درمان، معیشت و ... را حل کند و هم گوشت ۱۰۰ هزار تومانی بخرد».

قانوناً اختلاف حقوق شاغلین و بازنشسته نباید بیشتر از ۱۵ درصد باشد، در حالی که با توجه به افزایش حقوق شاغلین و دلایل گوناگون سازمانی و شغلی گاهی این اختلاف به بیش از ۱۰۰ درصد می‌رسد و باعث عقب‌افتادگی حقوق بازنشستگان نسبت به شاغلین گردیده و اعتراض بازنشستگان را به دنبال داشته است.

باید این را در نظر داشت که بسیاری از بازنشستگان، بازنشستگی با حقوق‌های بیست، سی سال قبل را دریافت می‌کنند. روشن است با حقوق سی سال قبل نمی‌توان کرایه خانه سی سال بعد را پرداخت کرد. صاحب خانه شما را از خانه بیرون می‌اندازد. قدرت خرید نان و پنیر و پیاز را هم نخواهید داشت و دولت تزویر و دروغ، و نه تنها این دولت، چشم بر تمام این بی‌عدالتی‌ها بسته است. او به دنبال حل برجامیست که از سر سیاست‌های بیخردانه دولت‌های ایران، جانش را گرفته‌اند.

اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان که در برنامه ششم توسعه تأکید شده بارها از طرف وزرای وقت مطرح می‌گشت، ولی همیشه به دلیل بار مالی آن از سوی دولت وقت از حل آن چشم‌پوشی شد. در حالی که در شرایط امروز اقتصادی کشور و با حقوق‌های آن روزی ادامه زندگی بازنشستگان غیرممکن گشته. با چنین مبالغی شاید بتوان سه روز زندگی کرد، اما نه سی روز. با چنین حقوقی اشکنه هم نمی‌توان خورد. محمدحسن زدا، سرپرست سازمان تأمین اجتماعی، درباره همسان‌سازی حقوق بازنشستگان گفته است: «در زمینه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با کانون‌های بازنشستگان مشورت کرده‌ایم و به مدل مشخصی رسیده‌ایم که اجرای آن ۱۲ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد، امیدواریم اعتبار مورد نیاز در بودجه سال آینده کشور گنجانده شود».

براساس ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، آقایان با ۲۰ سال سابقه و ۶۰ سال سن و خانم‌ها با ۲۰ سال سابقه و ۵۵ سال سن می‌توانند بازنشسته شوند. همچنین براساس همین قانون، آقایان با ۳۰ سال سابقه و ۵۰ سال سن می‌توانند مستمری دریافت کنند و خانم‌ها نیز با ۳۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه و ۴۵ سال سن می‌توانند بازنشسته شوند. سابقه پرداخت حق بیمه و ۴۵ سال سن می‌توانند از مزایای بازنشستگی استفاده برند.

همسان‌سازی یعنی بازنشسته تأمین اجتماعی در دو سال آخر خدمت خود و با ۲۰ سال سابقه بیمه، حداکثر میزان حق بیمه را پرداخت کرده که باید حداکثر مستمری را نیز دریافت کند، اما حقوق فردی که دو و یا سه دهه پیش بازنشسته شده با آن که در این دهه بازنشسته می‌شود همگون افزایش پیدا نمی‌کند. در نتیجه برخی مشکلات برشمرده شده بالا بوجود می‌آید. در حال حاضر حقوق حداکثری حدود ۵ میلیون است، اما حقوق حداکثری بازنشسته ۲۰ سال پیش ۹۰۰ هزار تومان است؛ بنابراین آنکه حداکثر حق بیمه را پرداخت کرده، باید با ماخذ آنهایی که حداکثر می‌پردازند هم‌تراز شود. هم اکنون حقوق بازنشستگی برخی ۱۰ درصد حقوق بازنشستگی افرادی است که امسال بازنشست شده‌اند. درباره اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان این صندوق، جمشید تقی‌زاده، مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، در ۲۵ شهریور ماه امسال بیان داشت با توجه به شرایط کنونی کشور حداقل ۱۰ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای این منظور نیاز است و این در حالیست که دست‌اندرکاران و حتی محمد شریعتمداری، وزیر وقت معتقد است، برای اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان به ۳۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. باید به این هم توجه کرد. اعتباراتی که دولت نتولیرال ایران جناب شیخ حسن روحانی در این خصوص در نظر گرفته بود ۴ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در دو سال گذشته بود.

حال نظری افکنیم به راه حل‌های دولت مردان دولت تزویر و ریا: در جایی تصمیم گرفته شد که ۱۰۶ هزار بازنشسته در قالب رضوی به سفرهای زیارتی اعزام گردند که ۴۷ میلیارد تومان هزینه آن شده است. این هم تدبیر دولت مردان بی‌تدبیر و چپاولگر کشورمان است که در جای خود بی‌نظیر است!! راهکارهای عملی ایجاد اشتغال از جمله ساماندهی و تشکیل شرکت‌های تعاونی برای فرزندان بازنشستگان. یعنی چون دولت قدرت پرداخت حقوق واقعی بازنشستگان را ندارد، باید فرزندان‌شان مخارج والدین را بعهده گیرند؟ چرا؟

در نشست مشترکی که در تاریخ دوم بهمن ۹۷ با حضور مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری با حجت الاسلام (نفسی عمیق بگیرید!) محسن قرائتی با هدف ارتقا و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی بازنشستگان کشوری برگزار شد، جناب ملا قرائتی فرمودند: «در هیچ کجای قرآن» (لزوماً یک نفس عمیق دیگر بگیرید!) «بحثی از بازنشستگی از کار یا فارغ‌التحصیلی... وجود ندارد و انسان تا پایان عمر به کار و... دعوت شده است». او پیشنهاد داد «اگر کسی بخواهد خدمتی به مردم انجام دهد در هر سنی و در هر شرایطی می‌تواند این کار را بکند». حجت الاسلام قرائتی این را فرمودند که بازنشستگان حساب کار دستشان بیاید. او ادامه داد: «(باید تفریحات ارزان)» (خدا را شکر نگفت مفت!) «نوارهای صوتی مفید» (و نه مضر!) «پیامک‌های پر معنی» (و نه بی معنی!) «برای بازنشستگان راه اندازی کرد و بنده هم کمک می‌کنم». با این حساب یک خیر هم از راه رسید و مشکلات بازنشستگان حل شد.

در همین نشست، تقی‌زاده، مدیرعامل صندوق بازنشستگی، تصریح کرد: «نکته مهم، فرهنگ احسان و بخشش است». وی کنش‌های داوطلبانه در میان بازنشستگان را مهم عنوان کرد و افزود: «تلاش



دره میان فقر و ثروت در جهان پیوسته عمیق تر می شود

اکسفام (بنیاد امداد رسانی برای ریشه کن کردن فقر، گرسنگی و بی عدالتی)، که همه ساله قبل از تشکیل «مجمع جهانی اقتصاد» در داووس سوئیس، که با شرکت روسای صدها کمپانی بزرگ و دهها تن از سران کشورهای جهان در ماه ژانویه برگزار می شود، گزارشی پیرامون فقر و ثروت در جهان تهیه و منتشر می کند، امسال نیز در تاریخ ۲۱ ژانویه به انتشار گزارشی مبادرت ورزید.

طبق این گزارش ۱۹۰۰ تن از ثروتمندترین افراد جهان ۱۲٪ بیشتر از سال گذشته درآمد داشته اند. در صورتی که نیمه فقیر ساکنین کره ارض (قریب به ۳،۸ میلیارد نفر) ۱۱٪ کمتر درآمد داشته اند. به دیگر سخن؛ در سال گذشته بخش میلیاردرهای جهان روزانه ۲،۵ میلیارد بیشتر درآمد داشته اند، در صورتی که درآمد نیمه فقیر ساکنین کره ارض ۵۰۰ میلیون دلار کمتر بوده است.

در این گزارش، درعین حال قید شده است که حجم عمده ثروت پیوسته در دست تعداد کمتری از ثروتمندان انباشته می گردد. در حال حاضر ثروت ۲۶ تن از ثروتمندان جهان با دارایی نیمی از افراد کره خاکی برابری می کند. در صورتی که در سال ۲۰۱۷ این رقم ۴۴ نفر و در ۲۰۱۶، ۴۹ نفر بود.

از سوی دیگر مشکل فقر فزاینده و گسترش نابرابری های اجتماعی امروزه در جهان به یکی از معضلات عظیم اجتماعی تبدیل گشته است. به قسمی که جوانان تحت تأثیر شعارهای عوامفریبانه ناسیونالیستی و نژادپرستانه احزاب و سازمان های ناسیونالیستی قرار گرفته اند و جذب آنها می شوند.

در آلمان، علی رغم رشد اقتصادی بی سابقه و کاهش نرخ بیکاری،

کنیم از ظرفیت خود بازنشستگان، که وضعیت مالی بهتری دارند، در قالب فضیلت و با تشکیل مجمع خیرین» (حتماً خیریات بدهند!) «.... و کمک به هزینه های نگهداری سالمندان نقش آفرینی کنیم». حل مشکلات با چنین تدابیری هزینه دولت را به صفر می رساند و صندوق جهانی پول جایزه ای تقدیم رئیس جمهور اهدا خواهد کرد!!! قره خانی، نماینده علی آباد کتول» در مجلس می گوید: متأسفانه دولت هر جا منابع مالی کم می آورد، روی حقوق بازنشستگان دست می گذارد. او ادامه می دهد، قانون برای افزایش حقوق بازنشستگان داریم اما به سبب بی عرضه گی و ضعف ها و حیف و میل ها محقق نمی شود و بازنشستگان چوب این سوء مدیریت را می خورند. بالاخره یکی از مجلسیان حرف ما را پذیرفت که بی عرضه اند.

و اما برگردیم به مجلس شورای اسلامی به بینیم این جماعت نادان چه تدبیری برای حل این مشکل پیشنهاد می کنند. دولت رقم ۲ هزار تومانی را برای همسان سازی در نظر گرفت و در پی آن محمد کاظمی، نماینده ملایر در مجلس افزود: افزایش این رقم طبق اعلام نیاز صندوق بازنشستگی کشوری به ۱۵ هزار تومان غیرممکن است. از یاد نبریم آقای شریعتمداری، وزیر دولت و یکی از آخوندهای مجلس، جناب حجت الاسلام احد آزادخواه، از لزوم ۳۰ هزار میلیارد تومان برای این منظور پیشنهاد کرده بودند.

صدای اعتراضات پی در پی بازنشستگان در مقابل مجلس خلاصه به گوش برخی از مجلسیان رسید و بازنشستگان موفق شدند با فشار به مجلسین و دولت، نمایندگان را مجبور سازند بودجه ۱۰ هزار میلیارد تومانی را به بخش همسان سازی اختصاص دهند. موضوع جهت ارائه به مجلس برای تصویب به کمیسیون مربوطه رجوع داده شد. تا امروز خبر جدیدی از تصویب و یا عدم تصویب بیرون درز نکرده است.

نظام فاسد و چپاولگر جمهوری سرمایه داری ایران توان حل مشکلات معیشتی اقشار و طبقات زحمتکش جامعه را ندارد، برعکس با سیاست های نولیبرالی و خصوصی سازی هر روز بر مشکلات اقتصادی افزوده می گردد. تنها با سرنگونی این نظام منفور و برقراری یک نظام دموکراتیک و مردمی به رهبری طبقه کارگر می توان بر این مشکلات فایز آمد. زحمتکشان جامعه تنها در سایه اتحاد و زیر چتر یک تشکیلات قدرتمند حزبی قادرند به عدالت اجتماعی دست یازند. حزب کار ایران (توفان) در این راه قدم برداشته و از هیچ کوششی فرو گذار نیست. رمز پیروزی اتحاد و تشکیلات است. ●

با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

دخالت بی‌شرمانه و تروریستی آمریکا در امور داخلی ونزوئلا را قویا محکوم میکنیم

دولت آمریکا ساله‌است که با حمایت‌های آشکار و پنهان مالی و معنوی خود از راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین احزاب و مخالفین سیاسی در ونزوئلا تلاش کرده است رژیم مستقل، منتخب و قانونی مردم را سرنگونی سازد.

دولت آمریکا با توسل به رسانه‌های شستشوی مغزی افکار عمومی، نظام سیاسی حاکم بر ونزوئلا را که بیش از ۱۵ همه‌پرسی دموکراتیک در آن صورت گرفته است و همه احزاب و سازمان‌های سیاسی از آزادی بیان و قلم برخوردارند و متأسفانه بیش از ۶۰ درصد از رسانه‌های تبلیغاتی آن در انحصار نیروهای برانداز و ضدملی قرار دارد، نظامی ضد دموکراتیک، دیکتاتوری و مستبد به جهانیان معرفی می‌کند و به خورد مردم می‌دهد و با نقض تمام قوانین بین‌المللی حکم سرنگونی‌اش را هم صادر می‌کند.

آنچه امروز نیاز حیاتی ملت ونزوئلا، به ویژه کارگران و زحمتکشان است، نه گسترش خصوصی‌سازی‌ها، مداخلات با نیروهای راست آمریکایی - امپریالیستی و توسل به همه‌پرسی‌های گل و گشاد سیاسی، بلکه بسیج عمومی مردم علیه نیروهای سرمایه‌داری، بویژه امپریالیستی و تعرض به سرمایه‌های آنها و ممنوعیت جریانات ضدملی و وابسته‌ای که از پنتاگون الهام می‌گیرند و از سیاست تجاوزکارانه و تروریستی دونالد ترامپ برای نجات کشور از بحران اقتصادی سیاسی استقبال می‌کنند! عربده‌کشی و قیحانه شب گذشته رئیس جمهور آمریکا، مبنی بر برسمیت شناختن یکی از نمایندگان نئولیبرال و برانداز پارلمان ونزوئلا، «خوان گویادو» به عنوان رئیس جمهور ونزوئلا اقدامی تروریستی و دخالت در امور داخلی کشور است که رئیس جمهورش چندی پیش به صورت قانونی و دموکراتیک با ۶۸ درصد آرای مردم انتخاب شد و سیاست‌هایی برای بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی اقصای زحمتکش کشور اتخاذ نمود و از حمایت آنها برخوردار است.

در بستر چنین شرایطی، نیکلاس مادورو، رئیس جمهور منتخب و قانونی دولت ونزوئلا، به درستی روابط سیاسی خود با آمریکا را قطع نمود و اعلام کرد که آمریکایی‌ها ۷۲ ساعت وقت دارند، خاک ونزوئلا را فوراً ترک نمایند! وی گفت تنها مردم این کشور هستند که می‌توانند رئیس جمهور کشورشان را انتخاب کنند و نه هیچ دولت خارجی. حزب کار ایران (توفان)، همانطور که بارها در مقالات تحلیلی خود دخالت‌های امپریالیستی در امور داخلی ونزوئلا را محکوم کرده است، اکنون نیز هرگونه اقدام نظامی و تحریم اقتصادی و مداخلات رذیلانه حقوق بشری و نئولیبرالی را به شدت محکوم و از حق حاکمیت ملی خلق ونزوئلا دفاع می‌کند و هرگونه تغییر و تحولی را وظیفه مردم آن کشور می‌داند.

زنده باد همبستگی با خلق ونزوئلا!

دست امپریالیسم آمریکا از ونزوئلا کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

۴ بهمن ۱۳۹۷. برگرفته از شبکه تلگرام توفان •

نه تنها از عمق تناسب منفی فقر و ثروت کاسته نشد، بلکه افزایش نیز یافت. در سال ۲۰۱۸ قریب به ۲۰٪ بر ثروت میلیاردرها افزوده گشته است. اکنون ثروت میلیاردرهای این کشور با دارایی ۸۷٪ از کم درآمد جامعه برابری می‌کند. به این ترتیب آلمان - علی‌رغم رشد اقتصادی بی‌نظیرش - در حال حاضر در اروپا بعد از استلند و جمهوری چک، از بالاترین سطح نابرابری‌های اجتماعی برخوردار است. ۱۵،۶٪ از فرودستان آلمان در فقر به سر می‌برند. به این ترتیب آلمان به مثابه یکی از ثروتمندترین کشورهای اروپایی از لحاظ اختلاف درآمد، رکورد زده است. در این کشور از هر ۵ کودک یکی در فقر به سر می‌برد. علاوه بر این زنان شاغل در آلمان ۲۱٪ از مردان کمتر درآمد دارند.

بنابر گزارش اکسفام، از نابرابری‌های اجتماعی در سطح جهان بیش از همه زنان و دختران جوان رنج می‌برند. در سراسر جهان بطور کلی دارایی مردها ۵۰٪ بیش از زنان است. ناگفته پیداست که بیشترین رقم محرومین در کشورهای فقیر هستند. قریب به ۴/۳ از محرومین جهان در آفریقا، آمریکای لاتین، کشورهای آسیایی پاسیفیک و هند زندگی می‌کنند. در حالی که حدود ۷۳۶ میلیون نفر در جهان می‌بایست با درآمدی روزانه کمتر از ۹/۱ دلار با گرسنگی دست و پنجه نرم کنند، ۴۶٪ از جمعیت جهان یعنی ۳،۴ میلیارد نفر با درآمدی کمتر از ۵،۵ دلار عملاً در فقر مطلق به سر می‌برند.

طرفه اینکه اکسفام در این ارزیابی و انتقاد خود نسبت به نظام اقتصادی حاکم بر جهان تنها نیست. آش آنقدر شور است که حتی صندوق بین‌المللی پول هم به آن معترف است.

پیشنهاد ضرب‌العجل اکسفام از یکسو افزایش اخذ مالیات از کنسرن‌ها، نقدینگی‌های کلان، ارثیه‌های کلان و حقوق‌های نجومی روسا و مدیران کنسرن‌ها و از سوی دیگر افزایش حداقل دستمزدها، تقلیل ریاضت اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های بهداشتی و درمان همگانی، آپارتمان‌های اجتماعی، آموزش و پرورش و وسایل ایاب و ذهاب را پیشنهاد می‌کند که فرجامی جز شکست مرحله‌ای نئولیبرالیسم ندارد.

سامانه سرمایه‌داری نئولیبرالی به همان نسبت که بر ثروت و پیشرفت علمی و صنعتی افزوده است، فقر و گرسنگی را نیز گسترش داده و نهادینه کرده است. ۱۵۰ سال پیش کارل مارکس در جلد اول کاپیتال خود به بررسی و مطالعه قانونمندی نظام سرمایه‌داری و عملکرد و روند تکامل آن پرداخت. او افزایش روزافزون نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان سرمایه‌داران و اکثریت جامعه را «قانون عمومی سرمایه» نامید و آن را امری اجتناب‌ناپذیر در این سامان خواند و راه چاره را در انقلاب اجتماعی و جابجائی قدرت از دست سرمایه‌داری به طبقه کارگر دید. و امروز بیش از هر زمان ثابت گشته است که جز این راهی وجود ندارد. سوسیالیسم است که انسان و نه سرمایه و سود را در مرکز جهان قرار داده، برای رفاه و آینده انسان جامعه را با برنامه ریزی بنا می‌کند. •

اگر از تجاوزات خون‌بار و ویرانگر آمریکا در ویتنام، کامبوج، لائوس و کره درگذریم، فهرست‌وار می‌توان به برخی از کودتاها در کشورهای زیر اشاره کرد:

۱۹۶۶ علیه «قوام نکرومه»، بانی استقلال غنا

۱۹۷۲ کودتای در بلیوی

۱۹۷۳ کودتا در اروگوئه

۱۹۷۶ کودتا در آرژانتین (۳۰ هزار کشته)

۱۹۷۷ کودتا در پاکستان

۱۹۸۰ کودتا در ترکیه

۱۹۸۲ کودتا در چاد، با کشتار گسترده و بر مسند قدرت رساند حسی

حربی

۱۹۸۳ آمریکا در در گرانا، ساکنین آزادی‌خواه این کشور کوچک را،

که به دفاع از کشور خود برخاسته بودند، وحشیانه سرکوب کرد.

۱۹۸۹ کودتا علیه «مانوئل نوریگا» در پاناما (۲۰۰۰ کشته)

فردیناند مارکوس، دیکتاتور سلاح‌فیلپین، که ۱۹۶۵ با پشتیبانی آمریکا

به ریاست جمهوری رسید و تا ۱۹۸۶ که از این سمت برکنار شد، به

عنوان دست‌نشانده آمریکا عمل می‌کرد.

کودتا علیه ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه

دفاع و پشتیبانی همه‌جانبه از حکومت نظامیان السالوادور در سرکوب

مبارزات حلق‌طلبانه مردم، بویژه جبهه آزادی‌بخش ملی «فاراوند» و

«مارنیاز» ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ که باعث ریختن خون ۷۰ هزار نفر شد.

... و جمعا آمریکا در ۶۲ کودتای موفق و ناموفق در جهان شرکت داشته

است. به دلیل مداخلات امپریالیسم آمریکا، آمریکای لاتین تبدیل به

«مهد کودتا» شده است. تاکنون تنها ونزوئلا ۱۵ کودتا به خود دیده

است. و اکنون کودتای جدید مرحله نهایی خود را طی می‌کند.

بدون شک ناکامی‌های اقتصادی، سوء مدیریت‌ها و دست‌دلبازی و

حیف و میل در پول نفت، که درآمد اصلی و عمده این کشور به‌شمار

می‌آید، و نیز عدم توجه به سرمایه‌گذاری در عرصه تولیدات صنعتی

و ... در بوجود آمدن بحران کنونی موثر بوده‌اند، که البته باید کاهش

قیمت نفت را نیز برآن افزود. ولی آیا گروگان‌گیری و شکنجه مردم

ونزوئلا توسط تحریم‌های جابراجه دولت ایالات متحده آمریکا، که ۱۵

سال است، ادامه دارد، هیچ نقشی در بوجود آوردن ابر تورم کنونی این

کشور نداشته است؟ آیا دخالت‌ها و دستکاری‌های ناجوانمردانه ارزی

جهت تضعیف پول ملی این کشور در سقوط قیمت بولیوار ونزوئلا

نقشی نداشته است؟ اگر آری، پس صداقت حکم می‌کند که به آن هم

اشاره‌ای به‌کنیم. هرچه تورم بالا رفت به همان نسبت تحریم‌ها افزایش

یافت. زیرا که به زعم آنها مراحل نهایی کودتا در شرف تکوین است. به

همین دلیل نیز خوان‌گوایدو خود را رئیس‌جمهور می‌خواند و آمریکا

فوری او را به رسمیت می‌شناسد. آنهم در کشوری که رئیس‌جمهورش

بصورت دموکراتیک توسط مردم انتخاب شده است و در کشوری که تا

کنون ۱۵ بار همه‌پرسی انجام گرفته است، یک نفر دست بلند می‌کند و

خود را رئیس‌جمهور می‌خواند «جامعه جهانی دموکرات» نیز یکی پس

از دیگری او را به رسمیت می‌شناسند.

رندی میگفت «می‌دانید که چرا تاکنون در آمریکا کودتا صورت نگرفته

است؟ زیرا که در واشنگتن سفارت آمریکا وجود ندارد!»! و اکنون با

تشدید تحریم‌ها علیه ایران با گروگان‌گیری و شکنجه ۸۰ میلیون ایرانی،

مسیری شبیه مسیر ونزوئلا را طی می‌کنند.



ایکاش فقط آینده بود!

پاتریس لومومبا، مصدق، ژان برتراند آریستاید، جاکوبو آربنز، رافائل

تروخیو و... هم داشتیم. این لیست طولانی‌تر از از این حرف‌هاست.

۱۹۴۹ کودتای نظامی آمریکایی به فرماندهی «حسن‌الزیم» در

سوریه. باتیستای جلا، که با کمک و پشتیبانی آمریکا در کوبا به قدرت

رسید و ۷ سال اعمال دیکتاتوری خونین کرد، که عاقبت در اثر وقوع

انقلاب سرنگون شد. دخالت نظامی آمریکا - ۱۹۵۸ - در لبنان، در

دوره ریاست جمهوری کمیل شمعون مستبد برای حفظ حکومت وی،

که به آنها وابسته بود. آمریکا عبدالکریم قاسم، ملی‌گرای را که پس

از انقلاب ۴ جولای ۱۹۵۸ و سرنگونی نظام پادشاهی عراق به قدرت

رسیده بود، با یک کودتای نظامی به فرماندهی صدام حسین ۲۲ ساله

سرنگون کرد. ۱۹۵۳ کودتا علیه حکومت ملی دکتر مصدق، که حتما

معرف حضورتان هست. ۱۹۸۴ کودتا در گواتمالا علیه حکومت ملی

«جاکوبو آربنز»، که پس از یک سری درگیری و کشمکش در آن کشور،

«آرمز» آمریکایی به ریاست جمهوری رسید، که منجر به جنگ داخلی

و ۲۰۰ هزار کشته شد. ۱۹۶۴ ژنو گولارت، رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب

برزیل که قصد انجام اصلاحات ارضی داشت، با یک کودتای نظامی

آمریکایی سرنگون شد و نتیجه‌اش استقرار یک خونتان نظامی جبار ۲۱

ساله شد. ۱۹۶۵ کودتای آمریکایی علیه سوکارنو، که جنبش‌رهایی از

چنگال استعمار هلند را تا دستیابی به استقلال کامل در سال ۱۹۵۰

رهبری کرد و به عنوان «پدر ملت» شناخته می‌شد، با رهبری سوهارتو

انجام گرفت، که بیش از یک میلیون از کمونیست‌ها و هواداران‌شان

به قتل رسیدند. گئورگیس پانادورنه، نخست‌وزیر یونان، در کودتای

آمریکایی ۱۹۶۷ از حکومت برکنار شد. البته قبل از آن از سال‌ها ۱۹۴۹

به بعد این کشور پیوسته در امور داخلی یونان دخالت می‌کرد تا بالاخره

با انجام کودتای نظامی باعث ایجاد جنگ داخلی و کشتار ۱۵۴ هزار

نفر و به زندان افتادن ۴۰۰۰۰ هزار نفر و اعدام ۶ هزار تن آنان به حکم

دادگاه‌های نظامی شدند.

خلاصه کلام:

سخنی کوتاه درباره قهرمانی و نقش شخصیت در تاریخ

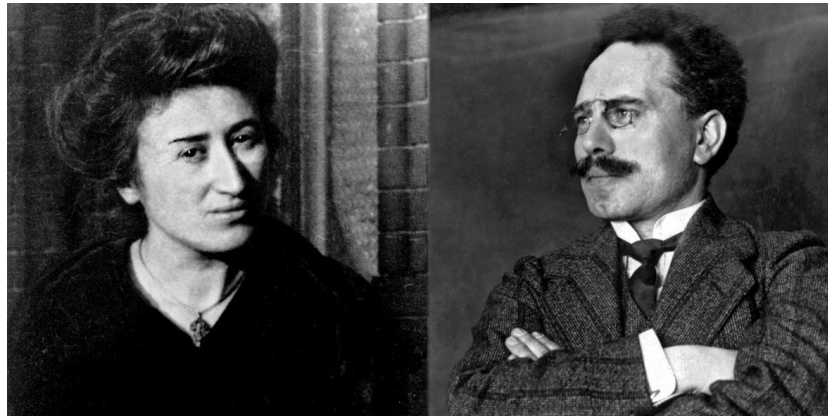
در نبرد طبقاتی حادی که جریان دارد، خلق ایران مانند سایر خلق‌های جهان قهرمانان خود را می‌سازد. این مردم ایران‌اند که از فرزندان خود، که برای آزادی، عدالت و استقلال می‌زنند، در اعتصابات و اعتراضات نقش پیشوا و پیشرو را ایفا و در زندانهای مخوف جمهوری سیاه اسلامی جسورانه مقاومت می‌کنند، پرچم می‌سازند و قهرمان می‌پرورند، زیرا در مقاومت آنها، در رزم آنها، مقاومت خود را، امید به پیروزی خود را، ضعف دشمن را، شکست وی را در مقابل مقاومت مردم می‌بینند که مرگ را به هیچ می‌گیرند.

نقش شخصیت در تاریخ و در نبرد طبقاتی غیر قابل انکار است. شخصیتی که در نبرد طبقاتی، در پیوند با سلب مالکیت‌شدگان و محرومان شکل می‌گیرد، شخصیتی طبیعی و انقلابی است و مردم از چنین شخصیتی همواره به عنوان قهرمان خود یاد می‌کنند

همانطور که دانشمندان بزرگ، نظیر انشتین و یا دانشمندان دیگر فیزیک و غیره بوجود می‌آیند، در زمینه‌های علوم اجتماعی نیز کسانی نظیر مارکس و انگلس... بوجود می‌آیند. به قول لنین طی تاریخ هیچ طبقه‌ای بدون برگزیدن پیشوایان سیاسی و نمایندگان پیشرو خود، که لیاقت سازمان‌دادن نهضت و رهبری آنرا داشته‌اند، نه توانسته است به حکومت برسد.

از اینرو مطرح‌شدن چهره‌های جوان و جسور و پیشرویی، نظیر اسماعیل بخشی‌ها را در شرایط کنونی باید در متن مبارزه طبقاتی جاری مورد تبیین و بررسی قرار داد و مسئولانه از او و هم‌زمانش با تمام قوا حمایت کرد.

زنده باد رزم متحد کارگران!
چاره کارگران وحدت و تشکیلات است
بر گرفته از شبکه تلگرام توفان



به مناسبت صدمین سالگرد ترور روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت

پانزده ژانویه (۱۹۱۹) صدمین سالروز ترور جنایت‌کارانه دو انقلابی بزرگ آلمان، دو کمونیست برجسته و تئوریسین پرولتری است. بورژوازی آلمان با این ترور نشان داد که مبارزه طبقاتی بیرحمانه است و برای نابودی دشمن طبقاتی به هیچ اخلاق سیاسی پایبند نیست. بورژوازی آلمان این دو رفیق را اعدام کرد و انقلاب را درهم کوبید، تا به حاکمیت سرمایه عمر جاودانی دهد. غافل از اینکه کمونیست‌ها را می‌توان کُشت، اما کمونیسم را هرگز.

ما مارکسیست... لنینیست‌ها با نگاه منطقی به این تجارب زنده تاریخی، برای سازماندهی طبقه کارگر و توده زحمتکش و برای درهم کوبیدن ماشین اعدام و سلاخی بورژوازی خود را آماده می‌کنیم و مرعوب تبلیغات دروغین بورژوازی، رفرمیست‌ها و اومانیست‌ها، که پرچم لغو اعدام را برافراشته‌اند، نمی‌شویم. ما در فردای انقلاب ایران هیچ مخالفتی با اعدام گرازهائی نظیر خامنه‌ای، احمدی نژاد، قاضی مرتضوی، لاجوردیها و حاج داودها، خلخالیها و رفسنجانیها... مسبین قتل و شکنجه و تجاوز در اوین و کهریزک... و کشتار در ایران نخواهیم داشت. ما هیچ مخالفتی با اعدام مسبین کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، کودتای شیلی، بمباران ویتنام، لانوس و کامبوج، اشغال عراق و افغانستان و فلسطین و... نخواهیم داشت. برای حفظ و تداوم انقلاب توسل به قهرانقلابی و سرکوب عناصر شرور و خون‌خوار امری ضروری است، این را کمون پاریس، انقلاب کبیر اکتبر شوروی و چین و... نشان داده است. و ما خود را پیرو این تاریخ، تاریخ نبرد طبقاتی می‌دانیم.

مرگ بر ارتجاع، بورژوازی و امپریالیسم
زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!

زنده و جاوید باد! یاد رفقا روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



یادی از رفیق عباس گودرزی (علی)

وین آتش نهفته که در سینه ماست/خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت.

... «صدبار در خور نام قهرمان است، آنکس که مردن در نبرد با مدافعان و محافظان این نظام فاسد را به مرگ تدریجی یک گذران منکوب، مطیعانه و برده‌وار مرجح شمرد». (لنین)

ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ در جریان تصرف آمل توسط سربداران خلق، رفیق قهرمان ما عباس گودرزی (علی) در طی عملیات قهرمانانه به شهادت رسید. رفیق عباس لاله سرخی بود که در طلوع زندگی درخشانش، عاشقانه با فداکاری کم نظیر در راه رهایی خلق و حزب خویش و برای اعتلای مارکسیسم - لنینیسم جان باخت. این کارگر قهرمان حزب کار ایران (کارگر چاپ) که مطابق مأموریت حزبی به منظور بررسی عملیات مشترک با اتحادیه کمونیست‌ها، ماه‌ها با رفقای سربداران در جنگل‌های مازندران فعالیت عملی داشت، داوطلبانه در عملیات رزمی‌ای که به تصرف آمل منجر گردید، شرکت نمود و طی چند روز مزدوران سپاه‌دل را نیز به خاک افکند. ولیکن خود نیز به هنگام عقب‌نشینی زمانی که به کمک یکی از رفقای مجروح شتافته بود، تا او را به آخرین سنگر برساند، با گلوله دژخیم به شهادت رسید. حزب ما در سی و هفتمین سالگرد تصرف شهر آمل ضمن ادای احترام به همه رفقای جان‌باخته سربدار و گرامیداشت یاد و خاطره رفیق عباس گودرزی (علی) یادآوری می‌کند که حزب ما در آن دوران به صورت تشکیلاتی در تصرف آمل شرکت نداشت و بعدها در ارزیابی‌های خود این اقدام را چپ‌روانه تحلیل نمود. مأموریت رفیق عباس گودرزی (علی) و ارتباط با سربداران به منظور بررسی اهداف مبارزه مسلحانه در جنگل و همکاری مشترک با سازمان‌های سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت، که متأسفانه منجر به شهادت رفیق گردید.

در سی و هفتمین سالگرد جان‌باختن رفیق عباس گودرزی (علی) کادر رزمنده حزب کار ایران (توفان) و همه رفقای جان‌باخته سربدار، یادشان را گرامی می‌داریم و با الهام از قهر انقلابی توده‌ای خود را برای نبردهای آتی آماده می‌سازیم.

یاد رفیق عباس گودرزی (علی) گرامی و راهش پر رهرو باد!
• ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی باد!



یادی از رفقا مهدی اقتدارمنش و محمدجواد عرفانیان

رفقا مهدی اقتدارمنش و محمدجواد عرفانیان، دو رفیق حزبی که در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در راه پیروزی انقلاب جان باختند

موجیم که آسودگی ما عدم ماست
ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

تاریخ بشری همواره حاکی از مبارزات زحمتکشان و خلق‌های ستمدیده است. آنجا که زور هست، مبارزه هست. آنجا که بندی است، تلاشی است. برای رهایی از بند. تاریخ میهنمان، ایران نیز گواه صادقی بر این حکم است. دیدیم که چگونه توده‌های محروم و تحت ستم ارتجاع محمدرضا شاهی را سرنگون نمودند و به زباله دانی تاریخ فرستادند. همان ارتجاعي که فرزندان صادق این خاک و بوم را سال‌ها به بند می‌کشید، شکنجه می‌نمود و به قتل می‌رسانید. پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم فاسد و جنایتکار پهلوی به آسانی کسب نشد. توده‌های ستمدیده آزادی خویش را در قبال خون خویش خریدند، خون هزاران جوانان جان‌باخته گواه بر همین امر است. از این جمله‌اند دو رفیق محمدجواد عرفانیان و مهدی اقتدارمنش، که قهرمانانه در راه کسب آزادی و استقلال جنگیدند و با افتخار در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از زنجیرهای استثمار خون خویش داده و جان باختند. رفقا مهدی و جواد دو عضو رزمنده و از جان گذشته حزب کار ایران (توفان)، کارگر کارخانه جنرال صنعتی بودند و هنگام تصرف پادگان نیروی هوایی شاهنشاهی نزدیک مهرآباد در روز ۲۱ بهمن ۵۷ زیر آتش مسلسل رژیم جنایتکار پهلوی جان باختند. شجاعت این رفقا در تسخیر این پادگان، که در پیشاپیش مردم ایران حرکت می‌کردند، تحسین‌برانگیز و مایه افتخار حزب ما و مردم ایران است. لوحه بلند هزاران جان‌باخته راه آزادی به ما یادآور می‌شود که مبارزه با دشمنان بی‌رحم طبقاتی نظیر رژیم‌های درنده پهلوی و جمهوری اسلامی امری آشتی‌ناپذیر است. تا زمانی که چنین رژیم‌هایی در ایران حکومت می‌کنند، هیچ قانونی که مردم را از زجر و شکنجه و کشتار مصون به‌دارد، موجود نخواهد بود. یگانه راه رهایی مردم ایران انقلاب و استقرار سوسیالیسم است. جز این راهی برای نجات مردم ایران متصور نیست.

یاد رفقا مهدی اقتدارمنش و محمدجواد عرفانیان و همه شهدای راه آزادی را گرامی می‌داریم! در راهی که با خون آنها ترسیم شده است، به پیش برویم!
• یادشان گرامی باد!



دست رژیم تبهکار اسلامی از اسماعیل بخشی کوتاه!

جمهوری شکنجه و جهل و جنایت اسلامی، کارگر شریف و مبارز و شجاع نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی را که پرچم عدالت، نان و آزادی را برافراشته است، بازهم تحت فشار ضدانسانی قرار داده، تا وی به تکذیب آنچه بر او گذشت و انعکاس گسترده‌ای در جامعه داشته، به پردازد؛ در غیر اینصورت زندگی را بر او و خانواده‌اش تباه خواهد کرد. این تبهکاران انسان‌ستیز را، که هنری جز تولید نکبت و کثافت و همه مظاهر قرون وسطایی ندارند، آرام نگذاریم، به افشای بی‌امان آنها به پردازیم و با تمام قوا از اسماعیل بخشی و همه فعالین کارگری به دفاع بر خیریم و صدای آنها باشیم.

حزب کار ایران (توفان) صدای اسماعیل بخشی را شکنجه‌هایی که بر او و سایر همزمانش رفته است، به اطلاع تمام احزاب مارکسیستی - لنینیستی و کارگری جهان متشکل در کنفرانس بین‌المللی میرساند و برای همبستگی، با کارگران ایران و محکومیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی کمر همت خواهد بست. کارزار همبستگی بین‌المللی با اسماعیل بخشی و همه کارگران تحت سلطه ایران پایان یافتنی نیست، وظیفه تعطیل نشدنی حزب ما و تمام احزاب کمونیست جهانی است که علیه سرمایه‌داری، ارتجاع و امپریالیسم و برای سوسیالیسم می‌رزمند. دست رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از اسماعیل بخشی و همه کارگران کوتاه باد!

زنده باد همبستگی با اسماعیل بخشی، این کارگر شجاع و آزادی‌خواه و میهن‌دوست ایران!

روابط بین‌المللی حزب کار ایران (توفان) دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۹۷ •

دست رژیم صهیونیستی اسرائیل از سوریه کوتاه باد!

منابع نظامی سوریه اعلام کرده‌اند، «در ساعت ۱:۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۰۱۹/۱/۲۱ دشمن اسرائیلی حمله موشکی سنگینی علیه مواضع ارتش سوریه انجام داده است و این حملات از طریق شلیک موشک‌های هدایت شونده بود و بلافاصله سیستم‌های دفاع هوایی ارتش سوریه با این وضعیت مقابله کردند و موشک‌های دشمن اسرائیلی قبل از رسیدن به اهداف خود منهدم شدند».

تجاوز اسرائیل از خاک لبنان انجام شد و سمت الجلیل و دریای جلیل بوده است. یک منبع ارشد نظامی سوریه در روز دوشنبه سرنگونی ۳۸ موشک اسرائیلی را تأیید کرد، که به سمت دمشق، پایتخت و حومه آن و روستایی قنطره شلیک شده بودند.

تجاوز اسرائیل به سوریه در روز یکشنبه به جنوب پایتخت (دمشق)، یک حمله مقدماتی برای تست پدافند هوایی سوریه و به نوعی مقدمه‌ای برای حمله گسترده امروز دوشنبه بوده است. این موشک‌باران ۵۵ دقیقه طول کشید و دفاع هوایی سوریه موفق به سرنگون حدود ۳۸ موشک شد که بعضی از آنها موشک‌های زمین به زمین بودند.

طبق گزارش وزارت دفاع روسیه؛ حمله شبه گذشته اسرائیل، باعث کشته‌شدن چهار سرباز ارتش سوریه و زخمی شدن شش تن دیگر شد و آسیب جزئی به زیرساخت‌های فرودگاه بین‌المللی دمشق شد. در روز دوشنبه، نیروی هوایی اسرائیل سه حمله به سوریه از سمت غرب، جنوب و جنوب غربی انجام داد. همچنین ارتش اسرائیل قرار است یک تمرین نظامی در بلندی‌های جولان انجام دهد.

رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل همدست آدمخواران داعش و عربستان سعودی است که تمام زورش را زده تا رژیم مستقل و قانونی سوریه را سرنگونی سازد؛ لیکن با شکست سختی روبرو شده است. اقدام دیشب صهیونیست‌ها، که بیشتر برای مصرف داخلی بوده است در عین حال نشان از ضعف و استیصال و ابراز نارضایتی از عقب‌نشینی و شکست مفتضحانه آمریکا در سوریه نیز دارد. اسرائیل دست دراز شده امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه است و تا زمانی که امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه حضور دارند، خلق‌ها رنگ و صلح آرامش را نخواهند دید. باید دست این متجاوزین استعماری را از منطقه قطع کرد.

حزب کار ایران (توفان) این حمله تروریستی و تجاوزکارانه را که نقض آشکار تمامیت ارضی و مغایر با حقوق ملل است، قویا محکوم می‌کند و از همگان می‌خواهد که این اقدام جنایت‌کارانه و توسعه‌طلبانه را محکوم نمایند.

دست رژیم صهیونیستی و جنایتکار اسرائیل از سوریه کوتاه باد! خروج فوری و بی‌قید و شرط نیروهای متجاوز از خاک سوریه!

حزب کار ایران (توفان) دوشنبه اول بهمن ۱۳۹۷ •



در جبهه نبرد طبقاتی

پیکار کارگران و زحمتکشان خاموش شدنی نیست

... پس چپ دو سه

ای رفیق جایب اینجاست

در صف کارگران جبهه‌ی واحد

چون تو خود نیز کارگری ... (برتولت برشت)

چکیده‌ای از اعتصابات و اعتراضات کارگران در دیماه مبارزات.

غاصبان انقلاب بهمن، که از ابتدا با فریب نیرنگ وعده دادند که همه صاحب خانه می‌شوند و برق، آب، تلفن، اتوبوس و ... مجانی می‌شود، و حتی وعده زندگی معنویت و انسانی را می‌دادند، و می‌گفتند که شاه فقط قبرستان‌ها را آباد کرده است، ولی آن‌ها همه چیز را برای مستضعفان می‌خواهند و خدا را نیز کارگر خواندند و از بوسه پیغمبر بر دست کارگر سخن گفتند، بعد از مصادره انقلاب، به سرعت چهره واقعی خود را با سرکوب و پرکردن زندان‌ها از جوانان و آبادکردن قبرستان‌های پیدا و پنهان، به نمایش گذاشتند. و امروز با رذالت تمام نمایندگان کارگران له شده در زیر خط فقر را به زندان می‌اندازند و تا سر حد مرگ، شکنجه می‌کنند و آنچه لایق خودشان است به عزیزترین و فداکارترین کارگران و همراهان‌شان نسبت می‌دهند و همانند اسلاف خود این عزیزان ایران و ملت ایران را مقابل دوربین قرار می‌دهند تا شخصیت‌شان را خرد و مبارزات حق طلبانه کارگران را منکوب و سرکوب کنند. زهی خیال باطل! کارگران و مردم حق طلب و آگاه، بی‌اثربودن این نمایش‌های ساختگی، تقلبی و تاریخ مصرف گذشته را اعلام و از نمایندگان کارگری پشتیبانی و شکنجه‌گران دروغ‌گو را رسوا کردند.

به کارگیری شکنجه، زندان و ترور علیه مخالفین، سیاست تمامی حکومت‌های طبقات استمارگر بوده است و با وجود آنکه اعمال

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان)

انعکاس فراخوان حزب در برخی از سایت‌های احزاب برادر

تارنمای حزب کمونیست کارگران دانمارک

www.kpnet.dk

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان) در تارنمای حزب کمونیست کارگران دانمارک در حمایت از اسماعیل بخشی، عضو سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه، و در محکومیت شکنجه و ضرب و جرح او و سایر فعالین کارگری

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

زنده باد مبارزه کارگران ایران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کار ترکیه

www.evrensel.net/

İran'da tutuklu işçi önderi İsmail Bakşı'ye işkence

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان) در تارنمای حزب کمونیست کار ترکیه در حمایت از اسماعیل بخشی، عضو سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه، و در محکومیت شکنجه و ضرب و جرح او و سایر فعالین کارگری

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

زنده باد مبارزه کارگران ایران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

تارنمای رفقای ایتالیا

www.piattaformacomuniŝta.com/

تارنمای رفقای حزب کار آمریکا

www.theredphoenixapl.org

Statement of the Labour Party of Iran (Toufan) on the Arrest and Torture of Labour Activist Esmail Bakhshi

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان) در سایت روزانه حزب کار آمریکا در حمایت از اسماعیل بخشی عضو سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه، و در محکومیت شکنجه و ضرب و جرح او و سایر فعالین کارگری.

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

زنده باد مبارزه کارگران ایران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

خسوت و سرکوب هرگز نتوانسته است به مبارزه طبقات زیرین و انقلابی پایان دهد، ولی کماکان طبقات حاکم بر سیاست‌های خود، که نشانه ضعف، درماندگی و وحشی‌گری آنهاست، ادامه می‌دهند، تا بدینگونه بر حیات ننگین و زالوصفتانه خود ادامه دهند.

در ایران همواره تمامی حکومت‌های پیشین با به کارگیری استبداد و سیاست سرکوب‌گرانه وحشیانه قرون وسطایی به حیات ننگین خود شکل داده‌اند و البته فقط چند صباحی باقی مانده‌اند و در نهایت به گورستان تاریخ رفته‌اند.

از زمان حکومت وابسته پهلوی دوم، سازمانی متشکل و متکی به «علوم شکنجه روزا»، که شکنجه‌گران و روسای آن در انگلستان و آمریکا، درس آموخته بودند، و با چگونگی استفاده از ابزار شکنجه ساخت دول دمکراتیک امپریالیستی آشنا بودند، با نام اختصاری «ساواک» بوجود آمد که به سرکوب، شکنجه و «ترور شخصیت» مبارزان شکلی مدرن و با برنامه داد. و سعی فراوان برای درهم شکستن مبارزان و در نتیجه دورساختن مردم و طبقات استثمار شده از آن‌ها به عمل آورد.

ولی هراندازه بیشتر به اعمال ننگین خود پرداختند، کمتر نتیجه گرفتند تا آنجا که در ۲۲ بهمن ۵۷ دودمان پهلوی و هزار فامیل‌اش به زباله‌دان تاریخ ریخته شدند. شکنجه و در مقابل دوربین قراردادن مبارزان برای اولین بار توسط «پرویز ثابتی» رئیس ساواک با هدف ترور شخصیت‌های سیاسی و مبارز به کار گرفته شد و با وجود آنکه نتیجه آن، نفرت مردم و مبارزان از دستگاه سرکوب محمد رضا شاهی شد، بعد از انقلاب ۵۷ «لاجوردی» جلال و «حاج داوود رحمانی» جانی همان سیاست رذیله‌انه و شکست‌خورده رئیس ساواک شاه را به کار گرفتند تا بتوانند جنبش پیش‌رونده و انقلابی بهمن را نابود سازند تا بساط غارتگران نئولیبرال را حفظ کنند.

اما زمستان جمهوری سرمایه داری اسلامی فرارسیده و سلطه شوم و سیاه آن به پایان خواهد رسید. مبارزات درخشان کارگران در دی ماه نویدبخش است و خاموش شدنی نیست. در دیماه اخبار مبارزات کارگری بسیار است که تنها مهمترین آن‌ها را در ادامه می‌آوریم:

هفت تپه

۲ دیماه

اسماعیل بخشی بعد از آزادی از زندان از کارگران، معلمان و سایر اقشار، که از او حمایت کردند تقدیر و تشکر کرد. در تقدیر نامه او آمده است:

«مردم ایرانم درود!»

اسماعیل چگونه می‌تواند محبت سرشارتان را فراموش کند، چگونه می‌تواند در یادتان نباشد، هنگامی که شما در سخت‌ترین لحظات زندگی‌ام به یادم بودید و مهرتان را بر من و خانواده‌ام باراندید، در روزهای گذشته در شرایطی بودم که نه قلم یاری می‌کرد و نه ذهن و

جانم، حتی واژه‌ها هم با من بیگانه شده بودند، اما دیگر تاب این بار سنگین را ندارم، پس می‌کوشم با روح پریشانم، لکت زبانه و قلم لرزانم، در ثنای قطره‌ای از مهرتان چیزی بنگارم. ابتدا یاد می‌کنم از کارگران رنج‌دیده و با وفای هفت تپه و خانواده بزرگوارشان که تا روز آخر در کنار خانواده‌ام بودند و امروز که پس از گذشت چهل روز در محل کارم حاضر شده‌ام با اینکه دیگر معنای آزادی را دیگر نه می‌فهمم نه درک می‌کنم اندکی احساس آزادی کردم. ای آزاد دلان! یاد می‌کنم از تمام هم طبقه‌ای‌های کارگرم و از تمام تشکلات و سندیکاهای کارگری کشورم که حامی برادر کوچکشان بودند.

یاد میکنم از معلمان عزیزم، جامعه پزشکان و پرستاران مهربانم، بازاریان و تمام اصناف و انجمن‌هایی که مهرزانه برایم مهرورزیدند یاد می‌کنم از هنرمندان و نویسندگان و شاعران خوش فکر و خوش ذوق کشورم و بسیار خاص و خیلی ویژه یاد می‌کنم از دانشجویان عزیزم، دانشجویان نازنینم، شاپرکان زیبای میهنم، فرزندان رعنا سرزمینم دوستانتان دارم. و در آخر در جواب همه عزیزانم، که در ایام بازداشت شعار «من هم اسماعیل بخشی هستم» را یا گفتند یا نوشتند تا هم مرا حامی باشند و هم خانواده غمگینم را، دل آرام، پاسختان می‌دهم: «من هم فدایی شما هستم»

۱۴ دیماه

دعوت به مناظره تلویزیونی

اسماعیل بخشی، وزیر اطلاعات را به دعوت به مناظره تلویزیونی کرد. در نامه سرگشاده او به وزیر اطلاعات آمده است که:

«در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم، مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آنها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام،... بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جابم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد، خوابیدن هم برایم زجزا بود و امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم. جالب اینکه شکنجه‌گران خود را سرباز گمنام امام زمان می‌نامیدند، اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش‌های رکیک جنسی می‌دادند و ایشان راهم کتک می‌زدند. اما از شکنجه جسمی بدتر، شکنجه‌های روانی بود، نمی‌دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دستهایم می‌لرزد، منی که زمین زیر پایم می‌لرزد، تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص‌های اعصاب و روان گاهی دچار حمله‌های شدید عصبی روحی و روانی می‌شوم،... مهمتر از شکنجه‌های جسمی و روحی است بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده‌ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست،... لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می‌کنم.

۱۵ دیماه

۲۰ دیماه

شوراهای صنفی دانشجویان کشور حمایت خود را از افشاگری اسماعیل بخشی اعلام، و واکنش مسئولان به افشاگری اسماعیل بخشی را محکوم کرد و از نمایش مسخره تلویزیونی «اعترافات ساختگی» اعلام انزجار کرد. در اطلاعیه خود آورده‌اند:

«در این میان اما واکنش مسئولان امر چه بود؟ وزیر اطلاعاتی پاسخگو، مجلسی پیگیر و قوه قضاییه‌ای شفاف همه دست به دست هم دادند تا نشان دهند که هرگز خبری از «شکنجه» در این سیستم نبوده، نیست و نخواهد بود. اگر هم به اصطلاح «درگیری»ها و «خودسری»هایی در این زندان و آن زندان یا این بازجویی و فلان بازجویی صورت گرفته، تخلفات ناصواب فردی‌ایست که در هر سیستمی پیش آمده و ممکن است پیش بیاید و نمی‌توان و نباید به پای کل سیستم سیاسی نوشت! آنچه اتفاق افتاد نام درستش «نمایش زد» دموکراسی است.

۲۱ دیماه

جمعی از معلمان ایران در حمایت از اسماعیل بخشی و اعتراض به خط سرکوب فعالان صنفی و مدنی بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه می‌خوانیم: «با توجه به گذشت چهل سال از انقلاب در حالی که خواست انقلابیون راستین و مردم آزاده ایران از میان برداشتن مظاهر دیکتاتوری و وجود آزادی اعتراضات و اجتماعات بوده و هست، متأسفانه شاهد برخوردهای قهری و خشن با معترضان افشار مختلف از جمله معلمان و کارگران هستیم.

پس از دستگیری خشونت بار معلم عدالتخواه، محمد حبیبی، که با ضرب و شتم و به کار بردن الفاظ رکیک صورت گرفت، امروز شاهد رنج‌نامه کارگر زحمتکش، اسماعیل بخشی هستیم که به شرح شکنجه‌های وحشیانه در دوران بازداشت در اداره اطلاعات پرداخته است.

ما، گروهی از فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن این رفتارهای غیرانسانی و غیرقانونی حمایت خود را از آقای اسماعیل بخشی اعلام می‌داریم و تأکید می‌کنیم با پخش برنامه‌هایی که یادآور «برنامه هویت» دوران سعید امامی است، نمی‌توان حقیقت را وارونه کرد. ما سخنان اسماعیل بخشی را باور داریم و خواستار مجازات آمران و عاملان شکنجه هستیم».

۲۷ دیماه

ظهر دیروز، محمدرضا نعمت‌پور، یکی دیگر از کارگران بازداشتی فولاد اهواز، دیروز با صدور قرار آزاد شد. در حال حاضر دو تن دیگر از کارگران فولاد اهواز همچنان در بازداشت به سر می‌برند. از نیمه شب یکشنبه ۲۵ آذرماه و چند روز پس از آن، دست کم ۴۳ تن از کارگران فولاد اهواز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند.

۲۹ دیماه

کریم سیاحی و طارق خلفی، کارگران زندانی گروه ملی صنعتی فولاد

عسل محمدی پس از تأمین و سپردن وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.

۱۷ دیماه

بر اساس گفته‌های خانم فرزانه زیلابی، وکیل علی نجاتی، قرار بازداشت علی نجاتی در پرونده جدیدی، که برای وی باز شده بود، به وثیقه تبدیل شده است. قرار وثیقه اعلام شده مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان است.

نماینده مجلس: فروش غارت‌گونه هفت‌تپه ۸ هزار میلیاردی به ۱۰ میلیارد، ماشین‌سازی تبریز را پنهانی فروختند. نماینده مجلس «محمد دهقان» با بیان اینکه مجتمع هفت‌تپه را دلالان دلار با پرداخت رشوه چند صد سکه خریداری کردند، گفت: این مجتمع ۲۴ هزار هکتاری ۸ هزار میلیارد تومان ارزش دارد که در ابتدا به ۲۶۰۰ میلیارد تومان و در نهایت به ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروخته شد که در حقیقت غارت صورت گرفته است.

۱۸ دیماه

پلافرم سندیکاهای کارگری سوئد برخوردهای امنیتی با فعالین کارگری را به شدت محکوم کرد و خواستار آزادی کارگران زندانی و آزادی فعالیت سازمانهای مستقل کارگری شد. در اطلاعیه پلافرم سندیکاهای کارگری سوئد آمده است: «هر اعتصاب و هر مطالبه قانونی یک حرکت بر علیه امنیت ملی تلقی می‌شود و با دستگیری، اذیت و اعمال خشونت روبرو می‌شود».

متأسفانه در روزهای اخیر از دستگیری وحشیانه و با حمله شبانه به منازل کارگران و اعمال شکنجه در زندان تعدادی از کارگران معترض شرکت نیشکر هفت تپه و گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با خبر شده‌ایم. از جمله می‌توان به دستگیری و شکنجه اسماعیل بخشی و علی نجاتی در رابطه با اعتراضات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و مصطفی عیبات، کاظم حیدری، طارق خلفی، محمدرضا نعمت‌پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی، میثم علی قنوتی و غریب حویزوی در رابطه با اعتراضات کارگران فولاد اهواز اشاره کرد. تعدادی از این کارگران پس از آزادی از زندان موارد اعمال شکنجه در زندان را به اطلاع عموم از جمله مقامات مختلف قضایی، اجرایی و قوه مقننه رسانده و تعدادی از آنان هنوز در زندان بسر می‌برند. ... ما از شما می‌خواهیم که:

به دستگیری فعالان کارگری پایان دهید.

به تهدید، اذیت و آزار و شکنجه فعالین کارگری پایان دهید! به برخورد امنیتی با فعالین کارگری که رویه مرسوم در کشور شما است، پایان دهید!

ما خواستاریم که تشکل‌های کارگری مستقل، به عنوان نماینده قانونی کارگران برسمیت شناخته شوند.

حقوق کارگران و دیگر حقوق بشر در ایران رعایت شود، ما با کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون جهانی اتحادیه‌ها همکاری خواهیم کرد تا با رعایت عدالت درباره کارگران ایران تضمین شود.

اهواز آزاد شدند.

۳۰ دیماه

تعداد زیادی نیروی مسلح همراه با چهار ماشین پاترول به خانه اسماعیل بخشی هجوم می‌برند و او را بازداشت می‌کنند. در این رابطه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بیانیه‌ای صادر می‌کند که در آن آمده است: «این لشکرکشی تنها از سر استیصال صاحبان سرمایه و حامیان آنها به خواست و مطالبات کارگران است. ... لشکرکشی به خانه یک کارگر و ایجاد رعب و وحشت در یک شب تاریک چه معنایی دارد؟ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن این لشکرکشی خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و دیگر کارگران زندانی می‌باشد».

بخش اعترافات ساختگی و نمایش مضحک تلویزیونی به نام «طراحی سوخته»، که برای به بن‌بست کشاندن مبارزات حق طلبانه کارگران، معلمان، پرستاران، رانندگان و دیگر کارگران مبارز صورت گرفت، انزجار همگان را برانگیخت و تمامی اقشار مختلف مردم و تشکلات صنفی مبارز آنرا محکوم کردند و دستگیری مجدد اسماعیل بخشی و سیده قلیان و همچنین مهدی قلیان را در راستای استبداد و سرکوب دانسته و خواستار آزادی کارگران و معلمان و دانشجویان و دیگر مبارزان زندانی گشتند.

شهرداری

۱ دیماه

حدود ۷۰ کارگر منطقه ۲ شهری آبادان روز شنبه با تجمع مقابل شهرداری مرکزی این شهر خواهان پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه و هشت ماه بیمه خود شدند.

۲۹ دیماه

کارگران شهرداری بروجرد در پی عدم دریافت ۹ ماه حقوق و مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

فولاد اهواز

۳ دیماه

خانواده‌های کارگران زندانی فولاد اهواز در مقابل استانداری تجمع کردند.

«کارگر زندانی آزاد باید گردد». «پدرم را آزاد کنید» «پسرم را آزاد کنید»

۵ دیماه

تجمع اعتراضی خانواده‌های کارگران زندانی گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری خوزستان برای سومین روز متوالی.

۶ دیماه

فرزانه زیلابی در گفت‌وگو با ایرنا درباره آخرین وضعیت بازداشت کارگران گروه ملی فولاد اهواز اظهار داشت: «بازداشتی‌های اخیر این کارگران ۴۱ نفر بودند که تاکنون همه آنها به جز هفت کارگر به قید کفالت آزاد شدند».

۷ دیماه

اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در نشست روز جمعه هشتم دیماه حمایت خود را از کارگران زندانی «فولاد ملی اهواز و سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه» و معلمان زندانی اعلام کردند.

۸ دیماه

تجمع اعتراضی خانواده‌های کارگران بازداشت شده فولاد اهواز در مقابل استانداری خوزستان

۲۵ دیماه

در پی عدم آزادی سه تن از کارگران گروه ملی فولاد اهواز، تعدادی از کارگران این مجتمع با صدور بیانیه‌ای خواستار آزادی همکاران خود شدند.

اعتصابات کارگری دیگر

۱ دیماه

کارگر شرکت ملی حفاری اهواز در اعتراض به فقر شدید و عدم پاسخگویی مسئولین این شرکت با بلندکردن پلاکارد اعتراضی در مقابل این شرکت دست به تحصن زدند.

بهره‌برداری مجتمع نیشکر هفت تپه در خوزستان.

گردهمایی کارگران پیمانی پروژه ساخت قطار شهری اهواز.

اعتراض کارگر شرکت ملی حفاری اهواز که با نوشتن متنی بر روی مقوا در برابر شرکت اعتراض خود را منعکس کرد.

تجمع یکصد کارگر کارخانه سیمان مسجد سلیمان.

تجمع کارگران شرکت کاوش در اعتراض به ممانعت از حضورشان در کارخانه.

حدود ۸۰ کارگر واحد سازنده مخازن تحت فشار «کاوش» (سانکا) در قزوین، در اعتراض به عدم حضور خود در کارخانه، مقابل ورودی این کارخانه تجمع کردند.

کارگران شرکت کیسون قطار شهری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۹ ماه حقوق عقب افتاده مقابل این شرکت تجمع کردند.

۲ دیماه

کارگران بلبرینگ سازی تبریز مجدداً برای ۴ ماه حقوق معوقه خود

تجمع کردند.

۳ دیماه

جمعی از کارگران شرکت آریا استیل اندیمشک به دلیل پرداخت نشدن ۶ ماه از حقوقشان در مقابل فرمانداری اندیمشک دست به تجمع اعتراضی زدند

۲۷ دیماه

کارگران پتروشیمی سایت ۲ عسلویه برای سومین روز متوالی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده شان به اعتصاب خود ادامه دادند.

رانندگان

۱ دیماه

شروع اعتصاب کامیون داران سراسر کشور، اتوبان سلفچگان به ساوه خالی از تردد هرگونه کامیون شده است.

در اعتراض به نبود بار و گرانی و تورم کالاهای یدکی کامیون رانندگان کامیون در استان مازندران در اعتصاب هستند.

اعتصاب رانندگان شرکت فرادیس قزوین در اعتراض به جریمه های فرمایشی و بی مورد اعتصاب خود را آغاز کردند.

۲ دیماه

دومین روز از پنجمین دور اعتصاب کامیون داران تبریز جاده کمربندی

گردهمایی رانندگان اتوبوس های ناوگان حمل و نقل شهری در تهران

کشاورزان

۳ دیماه

تجمع اعتراضی جمعی از کشاورزان ورزنه در استان اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حق آبه خود.

۶ دیماه

تجمع و راهپیمایی کشاورزان استان اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حق آبه در ورودی ورزنه.

۸ دیماه

کشاورزان ورزنه دست به راهپیمایی اعتراضی زدند.

۱۰ دیماه

تظاهرات کشاورزان ورزنه برای حق آبه خود.

۱۱ دیماه

راهپیمایی مردم و کشاورزان ورزنه برای حق آبه قانونی.

۱۲ دیماه

تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهانی برای احقاق حق آبه در پل خواجو.

۱۶ دیماه

کارگران صندوق بیمه کشاورزی مقابل سازمان استخدامی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت مغان علیه خصوصی سازی.

تظاهرات کشاورزان ورزنه اصفهان در اعتراض به بی آبی و قطع شدن حق آبه.

۱۹ دیماه

فراخوان به تجمع برای احیای زاینده رود.

معلمان و فرهنگیان

۲ دیماه

تجمع دانش آموزان زاهدانی و دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان در تجمعاتی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

تجمع فرهنگیان شاغل و بازنشسته جلوی اداره کل آموزش و پرورش تبریز.

۵ دیماه

صدور بیانیه ی کانون صنفی معلمان در اعتراض به صدور حکم سنگین قضایی برای محمد حبیبی.

۶ دیماه

تجمع معلمان اصفهان در مقابل آموزش و پرورش این شهر. در پی یورش ماموران و یگان های ضدشورش به تجمع معلمان در اصفهان حداقل ۴۰ نفر از آنان بازداشت شدند.

فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ارومیه تجمع کردند.

۸ دیماه

حمید رحمتی دستگیر شد.

کانال تلگرامی کانون صنفی معلمان از قول شاهدان عینی نوشته است که ماموران نیروی انتظامی شهرستان شهرضا در حالی که حکم بازداشت آقای رحمتی را در دست داشتند، از ورود به مدرسه محل کارش، خودداری کردند.

۱۹ دیماه

گروهی از فرهنگیان استان اصفهان در اعتراض به وضعیت معیشتی

فراخوان به تجمع بازنشستگان و پیشکسوتان کشوری ۲ بهمن ماه ۹۷ ساعت ۱۰ مقابل وزارت کار و رفاه اجتماعی.

احیای سازمان بازنشستگان با نظارت نمایندگان واقعی از بازنشستگان، بیمه کار آمد، بودجه عادلانه برای مطالبات بازنشستگان.

شرکت واحد

۱ دیماه

شنبه یکم دیماه، تجمع اعتراضی تعدادی از رانندگان شرکت واحد بخش خصوصی تهران در مقابل سازمان دهداری و شهرداری تهران واقع در خیابان کارگر در اعتراض به فرسوده بودن اتوبوسها و گرانی لوازم یدکی و عدم واریز حقوق کارت خوانها و جریمههای سنگین مالی از سوی مدیریت شرکت واحد برای رانندگان.

۱۷ دیماه

پیک سندیکا مرحله دوم شماره هشتم دی ماه ۱۳۹۷ پیک سندیکا در راستای دفاع از حقوق کارگران شرکت واحد چاپ و در بین رانندگان توزیع شد.

کامیونداران

۱ دیماه

رانندگان کامیون در برخی شهرهای ایران از اول دی اعتصاب کردند کارگران، رانندگان، فرهنگیان و پرستاران و دیگر مردم حق طلب با آگاهی کامل، متحد و متشکل تا به دست آوردن خواستههای خود از پا نخواهند نشست و علاوه بر خواستههای به حق خود برای آزادی تمامی زندانیان پاکدامن، عزیز و حق طلب خود به مبارزه ادامه خواهند داد.

خود مقابل اداری آموزش و پرورش این استان واقع در میدان انقلاب جمع شدند.

۲۰ دیماه

فرهنگیان استان کرمانشاه در اعتراض به عدم دریافت حقوق و بی توجهی مسئولین به مطالباتشان مقابل اداری کل آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بیش از ۱۵۰ نفر از معلمان استان یزد در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای فروردین تاکنون، در آموزش و پرورش کل استان یزد تجمع کردند.

۲۲ دیماه

احمد تقوی معلم پیش کسوت فرهنگی و فعال صنفی با قید وثیقه یکصد میلیون تومانی امروز آزاد شد.

۲۳ دیماه

تعدادی از فرهنگیان بازنشسته در اعتراض به دزدیهای صندوق ذخیره فرهنگیان مقابل دفتر این صندوق در میدان ونک تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان

۸ دیماه

بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در اعتراض به عدم پرداخت معوقات و پاداش بازنشستگی دست به تجمع اعتراضی زدند

۱۱ دیماه

بازنشستگان ارتش مقابل دادسرای شماره ۲ تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۲ دیماه

بازنشستگان مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری در اعتراض به پاسخ نگرفتن به مطالبات شان در مشهد

۲۳ دیماه

تعدادی از فرهنگیان بازنشسته در اعتراض به دزدیهای صندوق ذخیره فرهنگیان مقابل دفتر این صندوق در میدان ونک تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۴ دیماه

تجمع و همبستگی کلیه بازنشستگان برای بیمه تکمیلی ناکارآمد مقابل سازمان بازنشستگی کشور

۲۹ دیماه

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



Telegram
The world's fastest messaging app.
It is free and secure.

پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: آیا «شعار پرولترهای جهان و خلق‌های تحت ستم، متحد شوید»، انحراف از مارکسیسم نیست؟ مارکس از خلق سخن نگفت، بلکه از اتحاد پرولتاریای صنعتی و استثمارشوندگان مانیفست و شعار انترناسیونالیستی را تدوین کرد.

پاسخ:

خیر، اینطور نیست!

شعار «پرولترهای جهان و همهٔ خلق‌های گیتی متحد شوید» از آن لنین است و این شعار در انطباق کامل با عصر امپریالیسم و دوران رهائی خلق‌های دربند فرموله گردید. این فرمولبندی صحیح است، زیرا یکی از تضادهای اساسی دوران حاضر، تضاد خلق‌های تحت سلطه با امپریالیسم برای رهائی از بند است. بدین‌رو پرولترهای جهان موظف‌اند علیهٔ ستمی که بر خلق‌ها روا می‌شود، مبارزه نمایند و از حق تعیین سرنوشت خلق‌ها حمایت کنند. این مبارزه موجب تضعیف امپریالیسم جهانی است و باید حمایت گردد. آیا در دوران کنونی خلق‌های تحت ستم و تحت سلطهٔ امپریالیسم در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و... وجود دارند؟ شما حتماً مخالف اشغال افغانستان، عراق، لیبی، فلسطین، سوریه، یمن و کودتاهای نظامی و اقتصادی در آمریکای لاتین، در شیلی، السالوادور، بولیوی، ونزوئلا... هستید. آیا از مبارزهٔ ملل این کشورها برای رهائی از استعمار دفاع می‌کنید یا نه؟ ما از ملت لبنان، ملت افغانستان، ملت فلسطین، ملت عراق، سوریه، یمن، مالی، بولیوی، برزیل، گواتمالا، ونزوئلا و سخن می‌گوئیم. این ملل حق دارند صرف‌نظر از ایدئولوژی‌شان از موجودیت خود در مقابل تجاوز و سلطه‌جویی امپریالیسم و صهیونیسم دفاع کنند. و از این منظر باید از مبارزات‌شان علیهٔ تجاوز خارجی حمایت نمود. دفاع حزب‌الله در مقابل متجاوزین صهیونیست اسرائیلی مشروع است و کسی که

به بهانهٔ ایدئولوژی مذهبی آنها نظاره‌گر بمباران لبنان توسط اسرائیل باشد، تجاوز و زورگوئی و نقض حق ملل در سرنوشت را مورد تأیید قرار می‌دهد. شما با چنین استدلالی قادر نخواهید بود در مقابل تجاوز به افغانستان به‌ایستید، آن را محکوم و خواهان خروج فوری و بی‌قید و شرط متجاوزین از خاک افغانستان گردید. به باور ما یکی از تضادهای عمدهٔ دوران کنونی، تضاد خلق‌های تحت ستم و زیر سلطه با امپریالیسم است و از این‌رو جنبش‌های ضد سلطهٔ امپریالیسم متحد پرولتاریای صنعتی ممالک معظم امپریالیستی است و اگر کمونیست‌های ممالک امپریالیستی از آن حمایت نه‌کنند، به شوونیسم درمی‌غلتنند.

متأسفانه امروز جریاناتی هستند که اساساً پدیده‌ای به عنوان «لنینیسم» را، که تکامل مارکسیسم است، نمی‌پذیرند و در دوران سرمایه‌داری رقابت آزاد، یعنی قبل از ظهور انحصارات به سر می‌برند. فراموش نکنیم که در اینجا سخن از میلیونها و میلیاردها خلق‌های تحت ستم در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است که از جانب امپریالیسم بر آنها ستم اعمال می‌شود. دیگر تضاد اساسی دوران کنونی، «تضاد کار و سرمایه» است و تضاد اساسی سوم «تضاد بین امپریالیست‌ها برای چپاول سرزمین‌ها و منابع طبیعی و تقسیم مجدد جهان» است که این امر می‌تواند در نهایت به جنگ جهانی منجر شود. به باور ما در شرایط کنونی تضاد خلق‌های تحت ستم با امپریالیسم عمده‌ترین تضاد است. لنینیسم، تئوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر امپریالیسم است و به درستی به مسائل پیچیدهٔ دوران کنونی پاسخ داده است. •

به حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید



خود را در مقابل آن خلع سلاح می‌بینند.

ما در اینجا فقط به دو نکته مهم اشاره می‌کنیم: یکی مقوله «دیکتاتوری پرولتاریا» و «استالین» است، که فقط جنبه تئوریک دارد و دیگری مختصری از آمار رسمی انتشار یافته در مورد پیشرفت‌های عظیم صنعتی و فرهنگی در دهه ۳۰ در شوروی، که دلیل ریشه‌ای حمایت میلیون‌ها کارگر و زحمتکش شهر و روستا از سیاست‌های دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحت رهبری حزب کمونیست شوروی، با دیرکلی استالین است. به باور ما، حزب کمونیست شوروی بدون اجرای موفق برنامه‌های اقتصادی، صنعتی و فرهنگی نمی‌توانست قلوب توده‌ها را فتح کند و آنها را با خود همراه سازد. اجرای چنین تحول بزرگی به طور عینی به تشدید مبارزه طبقاتی، مبارزه طبقاتی بین کارگران و زحمتکشان روستا از یکسو و از سوی دیگر بورژوازی کولاک، که به خاطر از دست دادن مالکیت بر ابزار تولید و الغای مالکیت خصوصی احساس خطر کرده بود و به مقاومت جنون‌آمیز و خرابکاری و توطئه علیه حکومت کارگری توسل جسته بود، انجامید. در اینجا باید دید که آن جریان‌های فکری، که امکان استقرار سوسیالیسم در یک کشور را بر نمی‌تابیدند و با طرح‌های پنج‌ساله اقتصادی مخالفت می‌کردند، به‌رغم سخنان «چپ» و روشنفکرانه‌شان در کنار کدام طبقه قرار گرفته بودند. خطر خارجی و عروج حزب نازی در آلمان را چگونه ارزیابی می‌کردند و چه دورنمایی برای نبرد علیه امپریالیسم هار آلمان داشتند. اینهاست آن نکات کلیدی، که باید در دستور کار حکومت دیکتاتوری پرولتاریا قرار می‌گرفت و خود را برای نبرد نهائی آماده می‌کرد و چنین نیز کرد. در زیر به گوشه‌ای از تحولات عظیم صنعتی، اقتصادی و فرهنگی در دهه ۳۰ اشاره می‌کنیم:

طی دهه ۱۹۳۰ اولین و دومین برنامه‌های پنج ساله تحقق یافت و اشتراکی نمودن زمین‌های کشاورزی به مرحله عمل درآمد. درآمد ملی کشور، که در سال ۱۹۲۹، ۲۹ میلیارد روبل بود، در سال ۱۹۳۸ تا ۱۰۵ میلیارد روبل افزایش یافت. افزایشی با ۳۶۰ درصد در عرض

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش (۱)

پرسش: آیا «مضمون دیکتاتوری پرولتاریا، که مارکس طرح کرد، با خودکامگی دوره استالین و «دیکتاتوری پرولتاریا» در اتحاد شوروی تفاوت نداشت؟. لنین هرگونه فراکسیون را ممنوع کرد و استالین هم به تبع این نظریه هیچ انتقادی را بر نمی‌تابید و میلیون‌ها انسان را کشت. لطفاً درباره دیکتاتوری پرولتاریا دقیق‌تر و بی‌تعصب‌تر به‌پردازید.

پاسخ:

دوست عزیز!

یکم اینکه سرویس‌های جاسوسی جهان سرمایه‌داری، که به مدرن‌ترین دستگاه‌های تکنیکی قرن مجهزاند و جعل اسناد، یا بهتر به‌گوئیم تولید اسناد جعلی مورد لزوم برای تبلیغات ضدکمونیستی، فقط یکی از کارهایشان است، تاکنون میلیاردها دلار صرف مخدوش کردن حقایق تاریخی کرده‌اند، می‌کنند و خواهند کرد. دیگر چه کسی است که کتاب «مشهور» سولشنتسین را، که هدفش فقط و فقط سمپاشی علیه استالین است، نه‌شناسد؟ و یا کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای «روی مدودف» را تحت عنوان «در دادگاه تاریخ»، که به فارسی نیز ترجمه شده است و ابتکار جالب‌اش جمع‌آوری تمامی دروغ‌های تاریخ‌نویسان بورژوازی علیه استالین در یک جلد است. یا کتاب «اسرار مرگ گورکی» و یا کتاب «تورس سرخ» از روبرت کانکوست و یا کتاب «تزار سرخ» از ایزاک دویچر و غیره. نقد این کتاب‌ها، که هرکدام به سبک دیگری «افسانه استالینیسم» را با استفاده از ارقام جعلی به تحریف حقایق تاریخی می‌پردازند، در صفحه فیسبوک مقدور نیست. شدت این تبلیغات آنقدر زیاد و وسعت آن گسترده است که حتی انسان‌هایی که هوادار کمونیسم‌اند،

ده سال، رویدادی منحصر بفرد در تاریخ نظام صنعتی! تعداد کارگران و مستخدمین دولت از ۱۴۰۵ میلیون نفر در سال ۱۹۳۰ به ۲۸ میلیون نفر در سال ۱۹۳۸ ارتقاء یافت.

دستمزد متوسط سالانه کارگران صنعتی از ۹۹۱ روبل در سال ۱۹۳۰ تا ۳۴۴۷ روبل و رقم تخصیص داده شده به اهداف فرهنگی و اجتماعی در بودجه دولت از تقریباً ۲ میلیارد روبل در سال ۱۹۳۰ به ۳۵ میلیارد روبل در سال ۱۹۳۸ افزایش یافت.

در آغاز دهه ۱۹۳۰ ساعات کار کلیه مراکز صنعتی به حداکثر ۷ ساعت کار در روز تقلیل یافت (برای مثال ساعات کار کمتر برای کارگران معادن)، رفومی که در اواخر دهه ۱۹۳۰ به دلیل آماده نمودن شرایط برای مقابله با تهدیدات جنگی آلمان نازی باید کنار گذاشته میشد.

طی دهه ۱۹۳۰ حجم تولیدات در اتحاد جماهیر شوروی با چنان سرعتی رشد نمود که در تاریخ بشری نظیر آن هرگز مشاهده نشده بود. در آغاز سال ۱۹۳۰ ارزش کل تولیدات صنعتی مبلغی بالغ بر ۲۱ میلیارد روبل بود. هشت سال بعد ارزش تولیدات صنعتی تا بیش از ۱۰۰ میلیارد روبل افزایش یافته بود. (هر دو رقم به قیمت‌های جاری ۱۹۲۶-۱۹۲۷ محاسبه شده‌اند).

در عرض هشت سال حجم تولیدات صنعتی تقریباً دو برابر شده بود! در آغاز ۱۹۳۰ مساحت زمین‌های کشت شده برای کلیه محصولات برابر با ۱۱۸ میلیون هکتار بود. در سال ۱۹۳۸ این مساحت برابر با ۱۳۶۹ میلیون هکتار شده بود. همزمان کشور، اشتراکی نمودن کامل زمین‌های کشاورزی را به پایان رسانده و در ارتباط با مدرنیزه و اشتراکی نمودن کشاورزی مسائل مهمی را مرور و مشکلات عظیمی را حل نموده بود.

در آغاز ۱۹۳۰، ۳۴۹۰۰ تراکتور در اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت* در سال ۱۹۳۸ رقم آنها به ۴۸۳۵۰۰ دستگاه افزایش یافته بود. تعداد تراکتورها در طی ۸ سال تقریباً دو برابر شده بود! طی همان دوران رقم ماشین‌های برداشت کشت از ۱۷۰۰ تا ۱۵۳۵۰۰ و ماشین‌های خرمن کوب از ۴۳۰۰ به ۱۳۰۸۰۰ دستگاه افزایش یافته بودند. در خلال دهه ۱۹۳۰ توسعه فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی نیز بی‌نظیر بود. در سال ۱۹۲۹ رقم دانش‌آموزان در کلیه مدارس تقریباً ۱۴ میلیون نفر بود. سال ۱۹۳۸ این رقم به تقریباً ۳۴ میلیون نفر افزایش و شمار دانش‌آموزان در کلیه اشکال خود، حتی دانش‌آموزان نیمه وقت، تا ۴۷ میلیون نفر رشد نموده بود! تقریباً یک سوم از جمعیت کشور از سیستم آموزشی کشور بهره می‌بردند.

در آغاز دهه ۱۹۳۰ هنوز ۳۳ درصد از مردم اتحاد جماهیر شوروی توان خواندن و نوشتن نداشتند (در سال ۱۹۱۳، شصت و هفت درصد). در سال ۱۹۳۸ بی‌سوادی چند سالی بود که کاملاً ریشه‌کن شده بود. طی این دوران رقم دانشجویان دانشگاه‌ها از ۲۰۷۰۰۰ نفر تا ۶۰۱۰۰۰ نفر افزایش یافته بود، تقریباً سه برابر! تعداد کتابخانه‌ها در سال ۱۹۳۸، در مقایسه با ۴۰۰۰۰ در سال ۱۹۳۳، ۷۰۰۰۰ بودند.

دوم اینکه: دفاع ما از استالین، دفاع از شخص نیست، دفاع از اصول و مبانی کمونیستی است. از آنجا که از انتقاد به استالین سخن گفتید و منظورتان انتقاد کمونیستی است و نه انتقاد لیبرالی و ضدکمونیستی، باید خدمت‌تان عرض کنیم که استالین خودش یکی از مشوقین سرسخت انتقاد به حزب و دولت بود و تمام اسناد کنگره ۱۹، که آخرین کنگره‌ای بود که او شرکت داشت، گواهی می‌دهند که بیشترین انتقاد از جانب او به حزب و رهبری و کادرهای حزبی شد و پیشنهادات ریشه‌ای برای برطرف نمودن اشکالات و ضعف‌های حزب ارائه نمود. اما اگر انتقاد بدین معناست که از محافل ترسکیستی و ضدانقلاب، که در دادگاه با حضور هیئت منصفه و ناظران بین‌المللی محاکمه و محکوم شدند، اعاده حیثیت شوند و استالین محکوم گردد، کاری که خروشچف کرد، به هیچوجه با آن موافق نیستیم؛ آن را انحراف از سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا می‌دانیم. ادامه در شماره بعد•

طی دهه ۱۹۳۰ حجم تولیدات در اتحاد جماهیر شوروی با چنان سرعتی رشد نمود که در تاریخ بشری نظیر آن هرگز مشاهده نشده بود. در آغاز سال ۱۹۳۰ ارزش کل تولیدات صنعتی مبلغی بالغ بر ۲۱ میلیارد روبل بود. هشت سال بعد ارزش تولیدات صنعتی تا بیش از ۱۰۰ میلیارد روبل افزایش یافته بود. (هر دو رقم به قیمت‌های جاری ۱۹۲۶-۱۹۲۷ محاسبه شده‌اند).

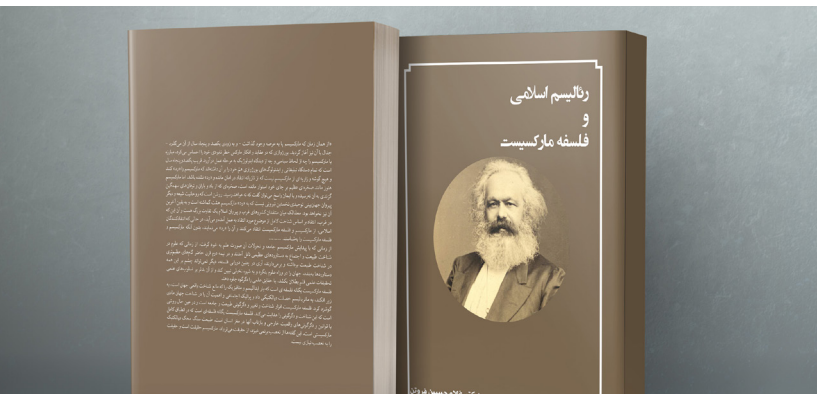
در عرض هشت سال حجم تولیدات صنعتی تقریباً دو برابر شده بود! در آغاز ۱۹۳۰ مساحت زمین‌های کشت شده برای کلیه محصولات برابر با ۱۱۸ میلیون هکتار بود. در سال ۱۹۳۸ این مساحت برابر با ۱۳۶۹ میلیون هکتار شده بود. همزمان کشور، اشتراکی نمودن کامل زمین‌های کشاورزی را به پایان رسانده و در ارتباط با مدرنیزه و اشتراکی نمودن کشاورزی مسائل مهمی را مرور و مشکلات عظیمی را حل نموده بود.

در آغاز ۱۹۳۰، ۳۴۹۰۰ تراکتور در اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت* در سال ۱۹۳۸ رقم آنها به ۴۸۳۵۰۰ دستگاه افزایش یافته بود. تعداد تراکتورها در طی ۸ سال تقریباً دو برابر شده بود! طی همان دوران رقم ماشین‌های برداشت کشت از ۱۷۰۰ تا ۱۵۳۵۰۰ و ماشین‌های خرمن کوب از ۴۳۰۰ به ۱۳۰۸۰۰ دستگاه افزایش یافته بودند. در خلال دهه ۱۹۳۰ توسعه فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی نیز بی‌نظیر بود. در سال ۱۹۲۹ رقم دانش‌آموزان در کلیه مدارس تقریباً ۱۴ میلیون نفر بود. سال ۱۹۳۸ این رقم به تقریباً ۳۴ میلیون نفر افزایش و شمار دانش‌آموزان در کلیه اشکال خود، حتی دانش‌آموزان نیمه وقت، تا ۴۷ میلیون نفر رشد نموده بود! تقریباً یک سوم از جمعیت کشور از سیستم آموزشی کشور بهره می‌بردند.

در آغاز دهه ۱۹۳۰ هنوز ۳۳ درصد از مردم اتحاد جماهیر شوروی توان خواندن و نوشتن نداشتند (در سال ۱۹۱۳، شصت و هفت درصد). در سال ۱۹۳۸ بی‌سوادی چند سالی بود که کاملاً ریشه‌کن شده بود. طی این دوران رقم دانشجویان دانشگاه‌ها از ۲۰۷۰۰۰ نفر تا ۶۰۱۰۰۰ نفر افزایش یافته بود، تقریباً سه برابر! تعداد کتابخانه‌ها در سال ۱۹۳۸، در مقایسه با ۴۰۰۰۰ در سال ۱۹۳۳، ۷۰۰۰۰ بودند.

طی دهه ۱۹۳۰ ساعات کار کلیه مراکز صنعتی به حداکثر ۷ ساعت کار در روز تقلیل یافت (برای مثال ساعات کار کمتر برای کارگران معادن)، رفومی که در اواخر دهه ۱۹۳۰ به دلیل آماده نمودن شرایط برای مقابله با تهدیدات جنگی آلمان نازی باید کنار گذاشته میشد.

طی این دوران رقم دانشجویان دانشگاه‌ها از ۲۰۷۰۰۰ نفر تا ۶۰۱۰۰۰ نفر افزایش یافته بود، تقریباً سه برابر! تعداد کتابخانه‌ها در سال ۱۹۳۸، در مقایسه با ۴۰۰۰۰ در سال ۱۹۳۳، ۷۰۰۰۰ بودند.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						